

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۶ صفحه

پیکار

۸۰

سال دوم - دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیستها (۳) صفحه ۱۵
- جنگ ، بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران! صفحه ۳
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۳ (۹) صفحه ۹
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۱) صفحه ۶
- پاسخ به نامه‌ها صفحه ۱۳



رفیق منوچهر نیک اندام

رفیق محمد علی اشرفی

رفیق شکرالله دانشیار

پیکارگران شهید رفقا محمد اشرفی و منوچهر نیک اندام چگونه محاکمه شدند؟

صفحه ۲۱

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادار در خارج از کشور

صفحه ۱۱

جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب

صفحه ۵

سرمقاله

انتخابات آمریکا و ریاست جمهوری ریگان

رونا لدریکان نماینده جدید امپریالیسم کسب ۵۱ درصد آرا در انتخابات آمریکا پیروز شد و با حمایت مستقیم بخشی از سرمایه مالی، با تبلیغات گسترده ۴۴۳ روزنامه آمریکا بی (از میان یک هزار) که با تیراژ ۱۷/۵ میلیون نسخه میباشند و با عنوان مغربسی های بشمار بر سر کار آمدند بعد چهار سال آتی، امپریالیسم خونخوار آمریکا و تمام جناح های نژادستیزی را نمایندگان کند.

بقیه در صفحه ۲

هیئت حاکمه و جنگ قدرت بر سر رادیو - تلویزیون

صفحه ۲۶

”افزایش تولید در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!“

صفحه ۷

محاکمه سعادت توطئه‌های دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

صفحه ۲۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

زمینه‌ای که پیروزی ریگان جنا بنگار را بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه برکارتسز جنا بنگار هموار نمود، از یکسوی کسرتش بحسران اقتصاد و زلزد میازات زحمتکشان و اقلیتهای ستمدیده‌سیا هیوست و سرخ بوست آمریکا و از سوی دیگر شکستها و مشکلات امپریالیسم آمریکا درعرصه جهانی بود. در حال حاضر بحران اقتصادی که جهان امپریالیستی را دربر گرفته در امریکا نیز عمق یافته است بعنوان نمونه در چهار سال پیش نرخ تورم ۲۴ بود و حال آنکه در شرایط کنونی به ۱۲۲٪ افزایش پیدا کرده است. به علاوه در چهار سال گذشته تعداد بنگاران به ۲ میلیون نفر می رسد و حال آنکه در شرایط حاضر ۸ میلیون نفر بنگار در امریکا وجود دارد. پسر واضح است که در دسترفشارهای تراست هسا و انحصارات و بحران اقتصادی موجود نا رضایتی ها و مبارزات نمیتوانست رشد پیدا نکند، در عرصه بین المللی مبارزات خلقها شکستهای متعددی را به امریکای بانکی تحمیل کرد. مبارزات دلورانه خلقهای ایران و ازبیکس رفتن رژیم سلطنتی شاه مزدور، مسامرات قهرمانانه مردم بنگار آکوئوش و سوتوپ سومسوزای دیکنا تورو... ضربات سنگینی بر امپریالیسم امریکا وارد ساخت و اما قهر آن کروکاتیکیری حاسومان امریکائی در تهران، رقابت طلسمی - های سوسال امپریالیسم و لنگرکشی اش به افغانستان دولت کارتر را با مشکلات مشخصی روبرو ساخت.

با توجه به این مسائل اهمیت که حزب جمهوریخواه به تبلیغات امپریالیستی گسترده دست زده، کارتر را مسئول تمامی این مغلظات نشان داده و زمینه پیروزی کاندید خود را فراهم می آورد. در واقع پیروزی ریگان بر کارتر، پیروزی یک گروه بندی مالی بزرگروهبندی مالی دیگر و پیروزی سیاست امپریالیستی فشار عربیان و مستقیم بر سیاست امپریالیستی فشار تحت پوش عوامغریبان "حقوق بشر" میباشد. حقیقت آنکه هیچ تفاوت کیفی میان سیاست دولت کارتر و سیاست دولت ریگان وجود ندارد. سیاست هر کدام از اینان، سیاست سرمایه مالی یعنی سیاست تحساز و غارتگری و توسعه طلسمی امپریالیستی است. آنچه که این دوسیاست را از یکدیگر جدا میازد این است که میان این دوسیاست گروه بندی های مالی مختلف می باشند. ویژگی سیاست کارتر در آنست که در جاتی که جنبش توده ای رشد یافته، بهمازش های طبقاتی جدید روی می آورد این سیاست در پی آنست تا از این راه از اوج گیری مبارزه طبقاتی و انقلاب جلوگیری کرده و بدین صورت جنبش خلقها را سرکوب نماید. اما یک لحظه نباید دید که تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی افتاد که گویا امپریالیسم امریکا برای

حفظ منافعتش، در زمان دولت کارتر به سرکوب مستقیم و مداوم خلع نظامی نپرداخت. تجاوزگریها و جنایات امپریالیسم امریکا در زمان کارتر سرعربیان تر از آنست که بتوان آنها را پوشاند. کودنای امریکا در ترکیه و بولیوی و غیره، مسلح نمودن مداوم اسرائیل صهیونیست و کشتن فلسطینیها در جنوب لبنان، مسلح نمودن رژیم شاه خائن و کشتارهای متعدد توده های خلق ما توسط ارتش امریکائی، مسلح نمودن دیکتاتوری سوموزا و کشتار خلق نیکاراگوئه، تسلیح رژیم فاشیستی کره جنوبی و سرکوب توده ها و دانشجویان این کشور، حمایت فعال از رژیم مارکسوس و سرکوب نیروهای مترقی، حمایت نظامی و سیاسی همه جانبه از رژیمهای دیکتاتوری - نظامی برزیل، آرژانتین و دیکتاتوری پینوشیه فاشیست و... همه و همه شاهدین مدعا است.

اما سیاست ریگان عربیان تر و بود زانو مغربیی های حقوق بشر کارتر است. در گذشته ریگان جزو مخالفین سرخ پوستها یا هیوستها و از دشمنان صهیونیستهای قهار بوده است. او با جملات مرتعانه و بیشتر مانع خود به نیروهای کمونیست و مترقی و کارگران و در واقع بانوگری کامیل بورژوازی امپریالیستی حاکم از حرفه هنر پیشگی به سخنگوی جناح سرخست حزب جمهوریخواه تبدیل شد. او در سال ۱۹۶۴ برای پیروزی گلدواتر، این جنگ طلب معروف، بشدت فعالیت می نماید و با لایحه بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه معرفی گشته و با زور سرمایه و تبلیغات بخشی از سرمایه مالی امپریالیسم امریکا پیروز میشود. برای شناخت از چگونگی پیروزی او همین اندازه کافی است که بگوئیم در طول انتخابات ۸۷٪ از کمپانیهای عمده امریکائی ۶۷٪ از کمپانیهای متوسط از سرنامه ریگان پشتیبانی کرده و برای پیروزی میلیوننها دلار پول خرج کردند. سازمان ملی نفتنگاه یک موسسه امپریالیستی بوده و موافق گسترش فعالیتهای نظامی و تسلیحاتی است، برای پیروزی ریگان یک میلیون دلار خرج نمود. بدین ترتیب آشکارا روشن است که ریگان مانند کلیه روسای جمهور امریکا نماینده غارتگران، جنگ افروزان، جنا بنگاران بین المللی و در یک کلام نماینده مستقیم بخشهای مختلف سرمایه مالی میباشد. از این جهت آنچه در مورد حامیان مستقیم ریگان باید گفت اینست که او توسط گروه بندی مالی امپریالیستی که در زمینه نظامی، نفت، صنایع الکترونیک و زمین بازی فعالیت دارد حمایت شده و بقدرت رسیده است. این گروه بندی همان بخش از سرمایه مالی است که نیکسون را بقدرت رساند به علاوه ریگان جنا بنگار مورد حمایت فعال جورج بوش رئیس سابق سیا و سناتور میلیونیتر جمهوریخواه بوده و از جانب فورد و هنری کیسینجر که مورد حمایت راکفلر است تا شید شده است.

برای اینکه سیاست امپریالیسم امریکا دقیقتر روشن شود کافی است به سرنامه و سیاستهای داخلی و خارجی ریگان نگاه کنیم. کوتاه بیا ندرسیم:

در زمینه سیاست داخلی دولت ریگان در پی آنست تا به تشدید سرکوب علیه صهیونیست - ان و سرخ بوستان بپردازد و با افزایش هزینه های نظامی فشار بیشتری را بر کارگران و زحمتکشان امریکا وارد آورد. اگر چه ریگان در نطقهای انتخاباتی خود گفته است که ۳۰٪ مالیاتهای دولتی را کاهش خواهد داد، اما لازم به تذکر است که سیستم پیشینهای او اساسا منجر به کاهش مالیاتهای شرکتها و انحصارات بزرگ امپریالیستی میگردد. وجه بارز سیاست داخلی ریگان افزایش بودجه دفاعی (نظامی - هسته ای) میباشد. در سال ۱۹۷۹ بودجه نظامی امریکا به ۱۲۷ میلیارد دلار میرسد. ریگان نظردارد تا میلیاردها دلار بر هزینه نظامی بیا فزاید.

در زمینه سیاست خارجی دولت ریگان خواهان تحکیم مناسبات امریکا با امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن از یکسو و تشدید رقابت و مقابله جوشی با سوسال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر میباشد. در همین رابطه دولت ریگان در پی استحکام بخشیدن به قدرت نظامی امریکا و اروپا و تقویت سلطه خود در پیمان اتلانتیک است. ریگان با پیگیری استراتژیک محدودیت سلاحها یا سالت ۲ که میان شوروی و امریکا منعقد گشته شدیداً مخالف بوده و خواستار تشدید مسابقه تسلیحاتی با امپریالیسم شوروی میباشد. سیاست ریگان در قبال منحنج ترین رژیمهای ارتجاعی، سیاست حمایت فعال است. بر این اساس ریگان کارتر را بخاطر روی برگرداندن از شاه مزدور روسا موزا سرزنش کرده و خود در پی حمایت گسترده ای از اسرائیل صهیونیست، چین چیانگ چیک، کره جنوبی و غیره میباشد. در رابطه با خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، سیاست ریگان مبتنی بر واگذاری امنیازات بیشتر به صهیونیستهای اسرائیلی و سرکوب فاشیستی جنبش فلسطین میباشد. ریگان اخیراً سازمان آزادیبخش فلسطینی را یک "گروه تروریست" خوانده و بدین ترتیب خط عمومی سیاست امپریالیستی خود را نسبت به خلق فلسطین آشکارا میازد. ریگان در تداوم سیاست دولت کارتر مبنی بر تحکیم موقعیت امریکا در منطقه خلیج فارس در پی آنست تا عربستان و عمان را هر چه بیشتر مسلح نموده و موضع نظامی بانکی ها را در خلیج فارس تقویت نماید. و بالاخره آنچه در مورد مناسبات امریکا و ایران با است گفت اینست که دولت ریگان در عین پیشبرد سیاست سازش با رژیم ایران و بزرگاری مناسبات

بقیه در صفحه ۱۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



گرفتن حقوق برای کارگران در جنگ حرام است!

جنگ غیرعادلانه کنونی برای کارگران جامعه‌ای است که هر روز اثرات ناگوار آن را در زندگی روزمره‌شان لمس میکنند. حدود سه هفته است که شرکت کفش جم‌درا شرکت کیمودسوخ و مواد خوابیده است و کارگران این شرکت بدون اینکه کاری داشته‌اند به کارخانه رفته و در آنجا می‌نشینند. این روزها کارفرما و عوامسل آن تا به کرده‌اند که کارگران نباید حقوق بگیرند زیرا حرام است. یک کارگزن که این خبر را شنیده بود، در حالی که گریه میکرد، میگفت: خدا عالمین این جنگ را دلیل کند، کجای این حقوق حرام است، ما که روزی هشت ساعت روی این رطوبت می‌نشینیم و با درد و کمردرد گرفته‌ایم، چرا به خانه از کجا بیایم و بول شیر بچاهم! از کجا بیایم و...
کارگران این شرکت همگی مضطربند و نگران آینده خود و خانواده‌شان هستند. آری جنگ کنونی که هیأت حاکمه رنجاهی ایران و عراق به کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده‌اند، برای کارگران و زحمتکشان جز کشتار و بربانی، گرسنگی و خانه‌خوابی شمراتی ندارد. آنها میگویند این جنگ چون به نفع ما نیست هر چه زودتر باید قطع شود.

کارگران قربانی سهل‌انگاری افراد بسیج شدند!

در روز سه‌شنبه ۵۹/۷/۲۲ در کارخانه‌های رجبی یکی از افراد بسیج یک گلوله (آرپی، جی ۷) را به کارخانه‌ها برد و دو سه تکپه‌ای می‌کود که "این گلوله عمل کرده است و خطری ندارد..." تکپه‌ای گلوله را بدست کارگران میدهد و می‌گوید: "آن را از کردستان آورده‌اند"، کارگران که کنجکاو میشوند، به آن دست می‌زنند، گلوله منفجر شده و دو نفر از کارگران کشته میشوند.

اخراج ۵۰ کارگر کیلان ابریشم

مهندس معمودی رئیس سپاه با سرداران فومن که رئیس کارخانه کیلان ابریشم می‌باشد ۵۰ نفر از کارگران را اخراج کرده و گفته است برای اینکه کارخانه‌ها بدست شما بیفتد باید بقیه بشوید و در ضمن این فرد ضد کارگر می‌خواهد بقیه در صفحه ۷

جنگ بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران!

برپولتر شود!
* - به ساعات کار کارگران اضافه میشود، در حالیکه سرما به‌داران همچنان در فرسایش بسر می‌برند.
* - فرزندان کارگران و زحمتکشان به جنگ فرستاده میشوند و گوشت دم‌توب سرما به‌داران می‌شوند، در حالیکه نور چشمی‌های سرما به‌داران راست راست میگردند و همچنان به عیاشی مشغولند.
* - مفاهی طویل نفت، نان، گوشت، بنزین و غیره، گرانی، کمبود مواد غذایی، آوارگی و خسارت جنگ نصیب کارگران میشود، در حالیکه سرما به‌داران و تجار با استفاده از این وضع قیمت‌ها را بالا کشیده، احتکار کرده و بیشتر سود می‌برند.
* - برای شرخرایی و یا کمبود مواد و تعطیل کارخانه‌ها، نصیب کارگران، اخراج و مرخصی بدون حقوق میشود، در حالیکه نصیب سرما به‌داران تفریحات و گردش میگردد.
این کارگران هستند که با بدناوان جنگی که بزبان منافعان است بپردازند.
جنگ ایران و عراق جنگی است علیه زحمتکشان دو کشور!
مستحکم‌ها دادند کارگران و زحمتکشان ایران و عراق!
ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر تراکت شماره ۹۶

کارگران مبارز!
رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران مفتخور میگویند که جنگ ایران و عراق بخاطر دفاع از منافع مردم ایران است، پس کارگران هم‌باید بیشتر کار کنند و تولید را افزایش دهند.
* - آنها میگویند: چون ما (سرما به‌داران) در حال جنگ هستیم، پس باید یک روز از حقوق کارگران را کم کرد.
* - آنها میگویند: چون ما (سرما به‌داران) در حال جنگ هستیم، پس باید فقط کارگران و سایر زحمتکشان در ذخیره غذایی صرفه‌جویی کنند و یک وعده غذا نخورند و رستورانهای غذاخوری را در کارخانه‌ها تعطیل کنند.
* - آنها میگویند چون مواد اولیه به کارخانه نرسیده و سود چندانی بدست نمی‌آید و حتی ممکن است بر اثر سرما ران خسارت ببینند، پس کارخانه باید تعطیل شده و کارگران بدون حقوق مرخص شوند...
اما می‌بینیم که این جنگ نه تنها فایده‌ای برای کارگران ندارد، بلکه دقیقاً به ضرر آنهاست. زیرا:
* - یک روز از حقوق آنها را کم میکنند و از شکم زن و بچه آنها می‌زنند و آن را در جیب گشاد سرمایه‌داران سرازیر میکنند!
* - یک وعده غذا و رستورانهای غذاخوری را تعطیل میکنند، تا در عوض سرما به‌داران جیبشان

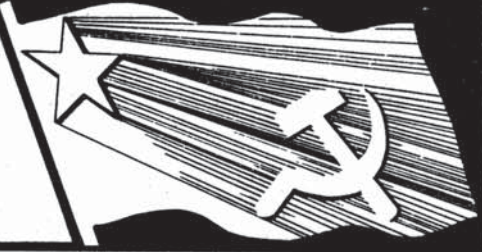
ضرب و جرح کارگران بخاطر حق طلبی به بهانه جنگ!

به انجمن اسلامی با جوب و کلنگ به سروکمر کارگری که حقش را میخواسته میزند، بطوریکه سر او شکسته میشود. کارگران که این جریسان را مشاهده میکنند، او را به بیمارستان می‌برند بعد از بیهوش زدن، هیچ پزشکی حاضر به نوشتن استراحت برای او نمیشود. این حرکت مورد نفرت کارگران قرار میگیرد و کمیته هم‌بخاطر خود نمایی و بی‌اصلاح پشیمانی از کارگران کارگروا بسته به انجمن اسلامی را دستگیر میکند.

در تاریخ ۵۹/۷/۲۵ در اداره آب گیشا، کارگری را بعنوان اینکه چرا مسئله "دستمزد" برای "افزافه کاری" مطرح میکند، بوسیله کارگری وابسته به انجمن اسلامی مورد ضرب و جرح قرار میدهند. البته این کتک کاری به بهانه اینکه چون مادر "جنگ با عراق هستیم" و توقع نداشتی مسئله بول را مطرح کنی صورت میگردد.
جریان به این ترتیب است که کارگروا بسته

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۴)

انحراف رویزیونیستی و آثار شیستی در تبلیغ نیاز اساسی توده‌ها

را با ترها ت فرمیستی خودجات میدهند. در حالی که کمونیست‌ها نیازهای توده‌ها را می بینند و حتی فرم‌ها هم می پذیرند. منتها در جهت انقلاب و افشای اقدامات فرمیستی چنین هيات حاکمه‌ای.

مثلا فدائیان خلق در اعلامیه مهر ۵۷ به مناسبت آغاز سال تحصیلی در دانشگاه‌ها خراج گاردا زدا نشگا را بعنوان شعار محوری جنبش دانشجویان انقلابی تبلیغ کرده بودند. (البته با بستی توجه داشته‌باشیم که در آن موقع این یک انحراف رویزیونیستی بود ولی فدائیان هنوز انقلابی بودند نه رویزیونیست). تبلیغ این شعار بعنوان شعار محوری در آن هنگام به معنای در غلطیدن به فرمیسم بود. در زمانی که توده‌های انقلابی سرنگونی شاه‌ها را طلب میکردند و در هنگامی که حتی موقعیت انقلابی وجود داشت می با بستی شعارنا بودی سرما به داری و بسته و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق تبلیغ میگشت. طبیعی است اخراج گارد از دانشگاه، جنبش دانشجویان انقلابی بود. اما این جنبش در قبال نیازهای توده‌های انقلابی اهمیت میدهد، تکرار این شعار فرمیستی در آن هنگام، معنای جزیره زدن به انقلاب ایران نبود. طبیعی است که اگر جنبش انقلابی، رژیم را به عقب نشینی کشید و اخراج گارد از دانشگاه خود بخود عملی میشد و آن هم نه با مبارزه برای خواست نازل اخراج گارد از دانشگاه در چنین هنگامی، بلکه با شعار سرنگونی رژیم رویزیونیستها به تبلیغ فرمیستی حول نیازهای توده‌ها، در حالیکه تبلیغ انقلابی و کمونیستی، عبارت است از: توجه به نیازهای اساسی توده‌ها و در عین حال استفاده از فرم‌های جزئی در جهت انقلاب ضمن افشای فرمیسم.

آثار شیستها اولاً برای شناختن نیازهای توده‌ها، از خودشان حرکت میکنند. آنها نیازها را که خود برای توده‌ها تصور میکنند مورد تبلیغ قرار میدهند. آنها نیازهای واقعی توده‌ها را نمی‌خواهند بشناسند. ثانیا

طبیعی است که رویزیونیستها و آثار شیستها هر دو نمی‌توانند به تبلیغ کمونیستی حول نیازهای اساسی توده‌ها بپردازند. آنها هر یک "اساسی‌ترین مسئله توده‌ها" و "نیازهای توده‌ها" را از دیدگاه خویش که با منافع و نیازهای توده‌ها در تضاد قرار میگیرد، معین میکنند.

رویزیونیستها، اولاً همیشه به کوچکترین و کم‌اهمیت‌ترین مسائل توده‌ها توجه میکنند، نیروی خود را صرف پیش‌پا افتاده‌ترین نیازهای اقتصادی توده‌ها می‌نمایند و میکوشند با شیوه‌هایی که در خدمت سازش طبقاتی است بدان جامعه عمل بپوشانند. آنها به نیازهای انقلابی توده‌ها در جهت شناختن طبقات حاکم و مبارزه برای سرنگونی حاکمیت طبقاتی جامعه عمل نمایی بپوشانند، آنان میکوشند نیازهای توده‌ها را فقط در چهار چوب تنگ نیازهای ساده و روزمره (که از نظر کمونیستها این مسائل نیز زدارای اهمیت اند) به بند کشند.

ثانیا رویزیونیستها هنگامی که به مسائل توده‌ها، نمی‌خواهند آنان را در جهت شناختن مسائل انقلاب مورد آموزش قرار دهند. مثلاً رویزیونیستها توده‌های وسیع‌تری از بسی میکنی و فقر و حمتکشان ما حرف میزنند و همیطور روزنامه‌های بورژوازی نظیر کیهان، میزان و جمهوری اسلامی، آنها را عکس‌گرا به‌ها را میاندازند اما نمی‌گویند عامل این فقر و بدبختی کیست و برای نجات از این راه‌ها بدیوروازی را بر انداخت. آنان این مسائل اساسی را بگونه‌ای توضیح میدهند که بورژوازی از ترس فرسای انقلابی توده‌ها در آن بماند.

حرکت رویزیونیستها از نیازهای توده‌ها، در حقیقت حرکتی فرمیستی است. عدم درک اولویت نیازهای توده‌ها، در بند کشیدن تبلیغ در حول نیازهای اقتصادی و اولیه توده‌ها عدم ارتقاء مبارزات توده‌ها از حول مبارزه برای نیازهای توده‌ها بسوی سرنگونی بورژوازی و... در حقیقت تبلیغ کمونیستی نبوده، بلکه تبلیغ فرمیسم است. رویزیونیستها در حقیقت نمایی گذارند نیازهای انقلابی توده‌ها، با تحقیق سوسیا لیسم، عملی شود، آنها دولتها را بورژوازی

آنها ریشتها نیز نمی‌خواهند و نیازهای توده‌ها را هنگامی که به مسائل شناختن مورد آموزش قرار دهند، آنها بروی حرکت از خاستگاه‌ها م را برای آموزش توده‌ها نمی‌شناسند آنها ناقصتر از توده‌ها دور شده اند که توده‌ها حرفهای آنها را از آن خود نمی‌دانند و آن را در نمی‌بایند. آنها ریشتها در حالیکه سرهای خود را با نقدر با گرفته اند که نیازهای واقعی توده‌ها را در نمی‌بایند و از مقابله توده‌ها میگذرند. آنها فقط "به سوسیا لیسم" می‌اندیشند. وقت ندادند به مسائل و نیازهای اساسی مشخص توده‌ها با سخ دهند و آنان را بدین ترتیب مورد آموزش قرار دهند. اما لنینین چقدر زیبا تشابه کمونیستها و تروریستها (بخوان رویزیونیستها و آثار شیستها) را در این مورد هنگامیکه در مورد دو وجه این انحرافات سخن میگویند نشان میدهد:

"کمونیستها و تروریستها یکنو بیکی ریشه مشترک دارند و آن سرفروا بودن در برابر جریانی خود بخودی است... در نظر اول این ادعای ما ممکن است خلافگویی جلوه کند زیرا ظاهراً تفاوت بین کسانی که روی "مبارزه عادی روزمره" م را می‌بازند و رزند و آنها را می‌کشند که افراد جداگانه‌ایند، فداکارانه‌ترین مبارزه‌ها را دعوت می‌نمایند، بسیار است، ولی این خلافگویی نیست، کمونیستها در مقابل جریانی خود بخودی "نهضت صدر دمکراتیک" و تروریستها در مقابل جریانی خود بخودی خشم و غضب فوق العاده تشبیه روشنفکرانی که نمی‌توانند و با امکان ندارند، فعلاً لیست انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم پیوندند." (چه‌جا بد کرد).

نتیجه یکی است، رویزیونیستها که از انقلاب سوسیا لیسم نفرت دارند، میکوشند تا کارگران در چهار چوب خواستها و نیازهای محدود بورژوازی حرکت کنند و آنها ریشتها نیز نیازهای توده‌ها و آموزش توده‌ها از خلال مبارزه در جهت همین نیازها را نمی‌شناسند و نمی‌خواهند بشناسند. بدین ترتیب این دو تبلیغ کمونیستی برای رفع نیازهای توده‌ها و آماده کردن آنان برای انقلاب سوسیا لیسم چشمی می‌بوشند. و منافع تاریخی پرولتاریا را لگدمال میکنند

نزد آنها ریشتها مبارزه برای نیازهای توده‌ها جز مبارزه برای انقلاب سوسیا لیسم (که آنها هرگز و آقا خواهند آن نیستند و راه کمونیستی مبارزه برای آن را نیز نمی‌شناسند) معنای دیگری ندارد، آنها نمی‌فهمند که از فرم‌ها نیز میتوان و با بدورها انقلاب سود جست. آنها اینکه هنگام مبارزه برای نیازهای "کوچک" توده‌ها، میتوان آنها را برای نیاز "بزرگ" یعنی انقلاب آموزش داد، درک نمیکند. آنها ریشتها را در نظر بگیریم که در سال ۵۵ به کارخانه میرفت تا کارگران را برای مبارزه

بقیه در صفحه ۲۳

اخباری از کردستان، سرزمین حماسه‌ها

تفرع عمیق خلق کرد از
سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت)

بوکان ۵۹/۸/۸

روزیونینستهای سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت) اکنون بعنوان حاش و خاش و حاشی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف خلق کرد افشا و طرد میگردد. توده‌های زحمتکش ما آنها را طرد میکنند، زیرا آنان پشت به انقلاب کرده و به نوکری بورژوازی تبدیل شده اند خلق ما آنها را طرد میکند، زیرا آنان با دشمن خلق پیمان بسته و به خیانت آشکارا در غلغله اند. خبری که ملاحظه میکنید مربوط به عکس العمل مردم بوکان در مقابل این خائنین می باشد.

روزیونینستهای ۵۹/۸/۸ عده زیادی از مردم ما را در بوکان در طرف دفتر سازمان چریک‌ها (اکثریت) جمع شده و ضمن دادن شعارهایی علیه سازمان چریک‌ها (اکثریت) با سنگ به دفتر سازمان چریک‌ها حمله کردند. مردم از خیانت‌های این سازمان بویژه بعد از اینکه اطلاع یافته بودند که سازمان چریک‌ها سلاح‌های خود را از شهر خارج میکند، بشدت خشمگین بودند. آنان می دانستند که این اقدام اکثریت بخاطر سستی است که این سازمان با رژیم انجام داده است مردم خشمگین در مقابل دفتر به شعار دادن و پرتاب سنگ پرداختند ولی بندر سنج شعار پرتاب سنگ از طرف جمعیت به حمله به دفتر تبدیل شد. زحمتکشان بوکان نیز از بیائین آوردن تا بلود دفتر روزیونینست‌ها به ساختمان دفتر حمله کردند و تمام محتویات آنرا از بنجره به بیرون پرتاب کردند و بدین گونه خیانت‌های این دارو دسته به انقلاب و خلق کرد را خداند.

فشار و خفقان بعد از کشتار

مهاباد

طبق اخبار رسیده در تاریخ ۵۹/۷/۳۰ برای ۴۶۰ جسد جوان زدن ما در شده است بخش اعظم این عده در شهرها جو حشیا نه روزهای قبل رژیم به شهادت رسیده اند خانه‌های شهر بوسیله توب و خمپاره رژیم جمهوری اسلامی به ویرانه‌هایی تبدیل شده اند. وضع شهرها از نظر اقتصادی فوق العاده بد است و شهر تقریباً فلج شده است قیمت اجناس به چند برابر افزایش یافته است تا چند روز قبل،



جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب

نبوده و هر روز وظیفه تظاهرات و اعتراضات گسترده مبارزات خود را علیه رژیم ستمگرها کم به پیش میبرند.

بعلاوه جنگ ارتجاعی ایران و عراق مستمکی شده تا رژیم با انکاء به آن تنها جمخود را به انقلاب و جنبش مقاومت خلق کرد افزایش دهد. تقویت دستک‌های سرکوب، استخفاف سربازان مزدور برای ارسال به کردستان، ارسال بخشی از افراد منقضی خدمت ۵۶ به کردستان و غیره نشان دهنده تقویت ابزار سرکوب جنبش خلق و بطور مشخص جنبش مقاومت خلق کرد است. اما همه این تشدید خفقان در سراسر ایران و دستگیری و اعدام انقلابیون کمونیست در شهرهای مختلف، قتل عام بیش از ۲۰۰ نفر و مجروح نمودن حدود ۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش ما با دست و پا در سراسر مناطق مختلف کردستان و از جمله سیماران سردشت در دو هفته اخیر، از جلوه‌های با رز سیاست سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی میباشند. آری، همه این اقدامات از تلاش ارتجاع جهت سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرد، حکایت میکنند.

منادیان صلح در کردستان

تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد، تضعیف انقلاب توده‌های زحمتکش ایران است. پشتیبانی نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست‌ها از خلق کرد، شرکت فعال آنها در مبارزه با دلا نه خلق کرد و پیوند دادن آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از شروط اولیه تشدید مبارزه طبقاتی - ملی در سراسر ایران و از جمله در کردستان و هموار کردن راه پیروزی جنبش خلقی ایران و در نتیجه جنبش مقاومت خلق کرد میباشند. سازش در قبال موانع این جنبش مفهومی

حرکت رژیم جمهوری اسلامی در اعمال سیاست سرکوب انقلاب، اکنون بوا سطه جنگ ایران و عراق در ابعاد گسترده تری در جهت تشدید سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد پیش میروند رژیم با تسلیفات وسیع خود در مورد جنگ ایران و عراق میکوشد تا توجه توده‌ها را از مسائل مربوط به کردستان منحرف سازد. او با این خیال باطل که در این دوره خلق کرد از حمایت توده‌های آگاه برخوردار نشود و در انزوای سیاسی قرار گرفته است، لشکرکشی گسترده‌ای را به کردستان آغاز کرده است. اکنون فشار و خفقان در شهرهایی که مزدوران رژیم سلطه خونین خود را در آنجا برقرار کرده اند، پیدا میکند. علاوه بر محاصره و حملات نظامی، تشدید محاصره اقتصادی نیز از جمله فشارهای ضد انقلابی رژیم برای در تنگنا گذاشتن خلق کرد و اار نمودن آن به تسلیم میباشند. مزدوران رژیم برای سزائودن آوردن خلق کرد از ارسال مواد غذایی، آرد، بوشاک و حتی مواد داروئی - که خلق کرد در اثر کشتار اخیر رژیم سخت بدان نیازمند است - جلوگیری میکنند. مواد سوختنی در کردستان کمیاب است و ارتش و پاسداران حتی از انتقال یک حلب نفت و بنزین به برخی از شهرها مانع میشوند. نتایج تمام این سیاست‌ها و عملکردهای رژیم، نتوانسته است آتش مبارزات انقلابی و جنگ عادلانه خلق کرد را خاموش گرداند و هرگز نتواند نتوانست به ستمگران رزمنده، به ما که به ارکان اعمال قدرت مسلح خلق کرد، با انکاء به اقتضای وسیعی از زحمتکشان شهروستای همچنان به پیکار مسلحانه خود با رژیم ادامه میدهند. به موازات نبرد توده‌های مسلح کرد، زحمتکشان شهرها و روستا‌هایی که به تسخیر رژیم درآمده اند در پشتیبانی از ستمگران و در جهت کسب حقوق سرخ خود، از اشکال مختلف مبارزه با فـ

نیمه در صفحه ۱۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست



با چشم باز درافق خونین کردستان

که در با دگان جای کافی برای پرسنل وجود ندارد! اینجا، در میان جدید و بیرونی - منظره‌های گسترده است که به زیبایی آن کمتر دیده‌ام. دامنه‌ای سرسبز، جنگل انبوه که رودخانه‌های در میان آن روان است، برای چند ساعت محتوای آن بودم. ای بهار زیبای کردستان! چرا اینچنین به خون آغشته‌ای!

۲۴ اردیبهشت

از صبح سربازان زمین را می‌کندند تا بفرار هم‌کنند و مستراح بسازند. اوضاع بطور عادی پیش میرفت، تا اینکه چند نفر در کوره‌های هی دردا منگوه، مشا هده شدند، نگهبانان دیده شدن آنها را اطلاع دادند: چند زن و بچه و مرد بودند که در جلوی آنها یک زن جوان پرچم سفید درست داشت.

همه دست و پای خود را کم کردند. نگهبانها در سنگرها آماده شدند، تلفن‌ها بکار افتاد و خبر در تمامها دگان بخش شد. درجه‌داری پشت سر هم میگفت: رنگبار بر رویان با زکنید! عجب چند زن و مرد و کودک تما مپا دگان را به وحشت انداخته بودند. بیش از نیمی از راه را بیموده بودند که ما شین ارتشی آنها را دستگیر کردیم و پادگان برد.

به حرفهای درجه‌دار فکر میکنم که چقدر کشتار مردم ساده شده!

۲۶ اردیبهشت

اعلام شده است که آتش پیشمرگه‌ها کم شده و هلیکوپترها آسانتر میتوانند در با نه فرود آیند. از این رو چند دسته‌آما ده حرکت شدند و به میدان پرواز رفتند. اما مثل روز قبل دست از پرواز نبرند. آما یگاه برگشتند.

خبر آمده است که یک گردان تانک که از زنجان و قزوین حرکت کرده‌اند، بطرف سقز می‌آیند. آنها بصورت تاکتیکی حرکت میکنند، درست مثل جنگ با یک کشور دیگر. از کویسین هیچ ساختمان و ویران کردن دهات ابارش می‌نداردند و اگر لازم می‌آید آنها را با خاک یکسان میکنند تا چند روز دیگر به اینجا خواهند رسید. چاقوایی برای سرکوب بسیج شده است!
(ادامه دارد)

خطرات يك سرباز (۱۱)

نیروی خلق بی پایان است

۲۱ اردیبهشت

امروز هم مثل روز قبل به صحرا رفتیم تا آموزش نظامی ببینیم. همواره در راحت با آنها بر علیه کردها سمپاشی میشود. به آنها فحش می‌دهند، تشنیل و ترسو خطا نشان میکنند. تمام اینها برای تشدید جوهر کردی و در عین حال ریختن ترس خودشان انجام می‌گیرد.

ظهره پادگان بازمی‌گردد. جنب و جوش عجبی مشاهده میشود. هلیکوپترها با سربازان به حرکت در می‌آیند و بعد از دقایقی با زخمی‌ها و در حالی که هلیکوپترها بر اثر گلوله، سوراخ، سوراخ شده‌اند بازمی‌گردند. اینطور که معلوم است، هلیکوپترها در با نه‌ها در به فرود آمدن نیستند و سربازانی را که حمل میکنند در با نه یک کیلومتری پیدا می‌کنند و سرعت دور می‌شوند. گویا هنوز قله در دست پیشمرگه‌هاست. در پادگان میگویند: اگر قله را بگیریم، اگر همه لندنیهای کردستان را ارتش بگیرد، مسئله حل است.

یکسال است که نیروهای مسلح رژیم، ارتش و پاسداران سعی میکنند، با صلاح خودشان کردستان را تصرف کرده و مسئله را حل کنند. پس چرا پیروز نمی‌شوند؟ مگر نه اینکه قدرت ارتش خیلی زیاد است؟! اکنون ارتش در منطقه کلافه شده ما شینها تا بود میشوند، هلیکوپترها سقوط میکنند، مهمات تمام میشود و هزینه جنگ سرسام‌آور است. پس چگونه است که کردها بدون اینکه هواپیما و فو ا نتانوم داشته باشند، ارتش و پاسداران را اینگونه بزا نودر آورده‌اند؟

آیا حزابین است که در کردستان خلق می‌جنگد و نیروی خلق بی پایان است؟! و بعد از هر شکستی دوباره بر میخیزد و می‌جنگد. به مبارزه خود ایمان دارد! از اینرو تا تمام ما جان می‌جنگد و نیرویش دهها برابر میشود.

۲۲ اردیبهشت

امروز هم به تفریح مسخره‌رزمی ادامه دادیم. امروز هم در راحت با شما، بر ضد مردم کردستان سمپاشی میشود. میگفتند: کمونیستها هستند که آنها را خراب کرده‌اند. اینها تشنیل هستند و دست بکار نمی‌زنند. این حرفها مرتبا تکرار میشود. مدا و ما گفته میشود تا کاملاً در مغز سربازان بنشیند و آنها را از "اعتنا ش" بدر آورد!

۲۳ اردیبهشت

امروز در خارج از پادگان مستقر شده‌ایم به خانه‌های نیمه‌کاره‌ای که برای پرسنل ارتش ساخته بودند (زیرا فرمانده گروهان معتقد است

خانه‌های شهرها با دیکنی سروی مسافری - بسته شده بود. ارتجاع می‌کوشد با سبب آن توده - ها و محاصره ا قتمادی خلق دلاور کرد را تسلیم نماید اما مطمئن با در حکمتکشان تا کسب پیروزی از با نمی‌نشیند.

جلوگیری از انتقال آرد و بنزین به شهر توسط پاسداران

اشنویه

اهالی اشنویه تحت محاصره ا قتمادی شدید از جانب رژیم قرار دارند. نفت و آذوقه بسیار کمیاب است. بطوریکه قیمت یک جالب نفت به ۱۵۰ تومان رسیده است. در جاده اشنویه - رضائیه، مزدوران رژیم ضمن با زرسی ما شینها از انتقال بنزین و آرد به شهر جلوگیری میکنند.

تلاش رژیم برای ایجاد برادر کشی

نقده

رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد تفرقه و سردرگنی بین کردها و ترکهای این شهر، سه کوردها مواد سوختی نمیدهد. با توجه به اینکه مواد سوختی واجناس در شهر به وفور یافت می‌شود مزدوران رژیم ما به تاج زندگی را تنها به اهالی ترک زبان این شهر تحویل می‌دهند.

پاسخ به بعضیها یا حمله به خلق کرد؟!!

پیران شهر

در هفته گذشته نیروهای عراقی مستقر در مرز پادگان پیران شهر را توسط توپهای دور زن مورد حمله قرار داده و خسارات زیادی به شهر وارد آوردند. نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز پادگان را بطور نسی تخلیه کرده و در اطراف شهر مستقر گردیدند. آنها به تلاقی حمله بعضی شهر پیران شهر را مورد حمله و حشیا نه قرار داده و تعداد زیادی از مردم شهر را کشته و زخمی نموده و خانه‌های زیادی را ویران کردند. اکنون مردم محصوره ترک شهر شده و در مناطق اطراف شهر و روستاها آواره شده‌اند.

مزدوران رژیم زیر حملات پیشمرگان انقلابی کومله و پیکار

کامیاران ۵۹/۷/۲۱

در ساعت ۵ بعد از ظهر این روز ارتشبان و پاسداران و جاشها از کرده "دولت و قلمه - والان سوی روستای "سرجی" حمله کردند و نسی سا مقامت پیشمرگان کومله و پیکار که در کوههای - بعد در صفحه ۱۲

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار

۱- رویزونیستها:

بورژوازی در بیشتر دتاما می این اهداف فد خلقی خود، مظاهر گرا نی چون رویزونیستها را در کتا ر خویش دار د. رویزونیستها، این خاشتن به طبقه کارگر، برای بر آوردن منافع سرمایه داران نیش از همه "جوش و جلا" زده و بر استیسی "کاسه د اغترا ز آتش شده اند! آنها با سو استفاده از نا آگاهی و احساسات میهن پرستانه کارگران دفاع از "میهن سرمایه داران" را تبلیغ میکنند و بدینوسیله سعی دارند تا همگام با بورژوازی، اثری انقلابی کارگران و زحمتکشان را هسرز برده و سبب مبارزات انقلابی شده ها را از مسیر اصلیشان منحرف گردانند.

در این میان علاوه بر حزب شده "ایسین کارگران ر کهنه کار روسیا ل امیریا لیم شوروی که مدتهاست به تظهِر رژیم و دفاع از سرمایه داران برداخته است و در کتا رهتای ارتجاعی اش حزب رنجبران، کارگران و زحمتکشان و وطنان را به کار و تولید بیشتر برای سرمایه داران فرا میخواند، فداشان (اکثریت) این رویزونیستها ی نوبا - نیز از هم مسلکان خود عقب نمانده و با دل سوزی فراوان برای سرمایه داران از "به مغا طره افتادن امر تولید"، کارگران را بر حذر میدارند. (کا رسا سری، ۸، صفحه ۲۱). آنها با آت و ن با فراوان نمونه های مختلفی را مثال میزنند و طی آن کارگران را تشویق میکنند که "روزهای پنجشنبه و جمعه را نیز به کار بپردازند" یا آنکه با وظایف "۴ ساعت اضافه کار کنند" (همانجا).

جنگی که سرمایه داران و رویزیمیهای حامیشان برای میاندازند، هدفی جز نامین منافع غارت - گراندهان ندارد. جنگ کنونی که بین رویزیمیهای ایران و عراق در گرفته است، جنگی است ارتجاعی و علیه منافع زحمتکشان و دواکشور. این جنگ زمینه ای برای طبقه سرمایه دار بوجود آورده است که به بهانه جنگ، به فریب کارگران و دامن زدن به احساسات میهن پرستانه آنها پرداخته و بر شدت فشار و استتشار کارگران بیافزایند. سرمایه داران و رویزیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا سخن از "مرور از افزایش کار و تولید" میگویند و آنرا وظیفه "مذهبی" و "ملی و انقلابی" کارگران و زحمتکشان بحساب میاورند، در حالی که افزایش تولید در این شرایط نتیجه ای جز افزایش فقر و فلاکت نوده ها و پیر شدن جیب سرمایه داران، ندارد.

محیط خفقان و رعب و وحشتی که رژیم جمهوری اسلامی در شهرها و روستاهای ایران، ایجاد کرده، در کارخانجات نیز برقرار است. هر اعتراضی که از جانب کارگران به اجاقیات سرمایه داران و رویزیم شود، به بهانه جنگ و تحت پوشش "توطئه ضد انقلاب" سرکوب میشود. بعنوان نمونه، با بدیه موج گسترده اعتراضی کارگران قبل از شروع جنگ نسبت به قطع سود ویژه اشاره کرد. که اینک تحت الشعاع جنگ واقع شده است و رویزیم میگوید تا از بر خاستن دوباره این موج اعتراضی شدت جلوگیری نماید.

چه کسانی آب به آسیاب رژیم می ریزند؟

بقیه از صفحه ۳ اخراج...

۳۰۰-۲۰۰ نفر از کارگران را که بیشتر اها لسی مومعه سرا هستند اخراج کند. مهندس مقصودی به آنها گفته: اگر بخوا هید اعتراض کنید، شما را به سپاه پاسداران معرفی میکنم. ضمنا قرار شده که تا دو ماه دیگر این کارگران تصفیه حساب کنند. در جنگ میان سرمایه داران کارگران کهنه میشوند، بی خانمان میشوند، خانه ها میسازند، بمباران میشود، دستمزدهایشان کاهش پیدا میکند، تولید را بیشتر میکنند و دست آخر هم این کارگران هستند که اخراج میشوند. بیگانه همی همانطور که مقصودی اقرار کرده است این کارگران هستند که باید فدا بشوند!

"خیرات جنگ در کارخانه سپید رود"

به کارگران سپید رود که اکثر ا هریک ۱۱۲ ساعت اضافه کاری دارند، دستمزدها اضافه کاری - هایشان را نپرداختند. همین دلیل آنها بسا به میهنی بوس به دفتر مرکزی کارخانه رفتند و خواهان گرفتن اضافه کاریهاشان میشوند. مدیر عامل ضد کارگر میگوید: بخاطر اینکه مملکت در حال جنگ است، نمی توانیم به شما اضافه کاری ها را بپردازیم و بخشنا مای هم از طرف استاندار آمده که اضافه کاریها و کلیه مزایا با بد قطع شود.

له شدن یک کارگر، باز هم جنایت سرمایه!

در تاریخ چهارشنبه ۸/۷ در کارخانه کج جبل واقع در دوراهی دماوند (۲ تا ۳ کیلومتری رود همی) شیهه در صفحه ۸



اخراج دوتن از تعمیرکاران ماشین سازی اراک محکوم است!

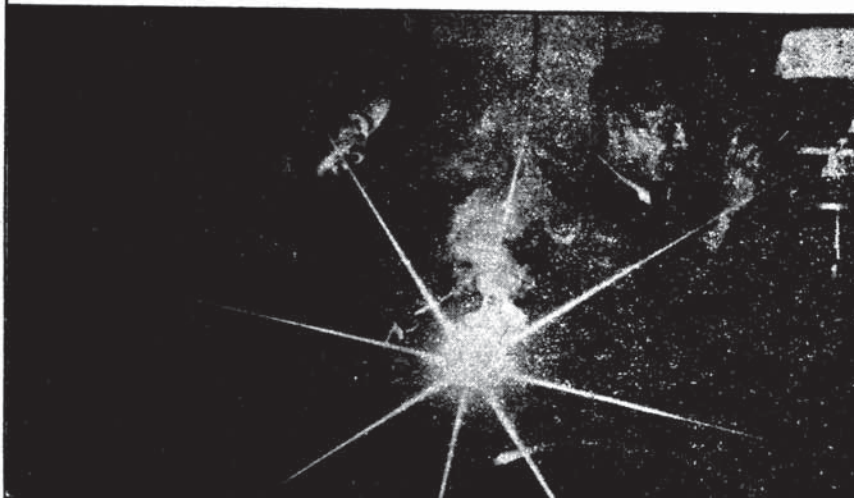
را براحتی انجام دهند، پرداخت میشود. فروتن خدکا رگر چون در جهت منافع سرما به - داران ورژیم جمهوری اسلامی حرکت میکنند، کارگران را بجرم کم کاری و سستی در انجام وظیفه تحویل دادگاه انقلاب اسلامی داده است و حتما این دادگاه آنها را محکوم خواهد کرد، زیرا این دادگاهها از منافع سرما به داران حمایت میکنند.

چندی قبل فروتن این مدیرعامل خدکارگر دوتن از تعمیرکاران دیگ بخارا اخراج میکند چرا بین دوکارگر تسلیم نشدن آنها در مقابل ندادن حق سرویس و مزایای دیگر است. این عمل را مدیرعامل خدکارگر در حالی انجام می - دهد که از طرف کارخانه ماهانه ۳۰۰۰ تومان به "پوف" کارشناسی که هیچکاه است و کارکنان ماشین سازی اراک میتوانستند کار او

بقیه از صفحه ۷ له شدن... کارگری بنا به بهر سبب آسایش یافته و بلعبده میشود بصورت گوشت له شده ای بیرون می آید. وقتی برادرش عمران خیرزیر آسباب رفتن برادر خود (بهرام) را می شنود، از شدت ناراحتی دچار شوک میشود.

اخراج وزندانی کردن کارگران تراکتور سازی تبریز به جرم ایجاد شور و درگت "هولر"!

روز پنجشنبه ۵۹/۸/۸ هیات سرپرستی جدید کارخانه تراکتور سازی یکی از مهندسان را به عنوان سرپرست قسمت خط هولر تعیین میکنند. کارگران که تا کنون قسمت را بصورت شورائی اداره میکردند به این انتخاب اعتراض میکنند و در برابر توجیه های نفیسی نماینده استانداری مستقر در کارخانه تسلیم نشده و کار نمیکنند و نفیسی یا تلفن ارداگاه انقلاب اسلامی پاسدار آورده و تمامی کارگران قسمت (۲۴ نفر) را با ماشین به دادگاه میبرند. ما بدلیل کمبودها، متروخ گزارش را در شماره بعد چاپ میکنیم.



باپوش: تصحیح خبر

در بیگانه شماره ۷۶، صفحه جنش کارگری اشتباهاتی رخ داده بود که بدین وسیله تصحیح میشود:

۱- در گزارش مربوط به "اخراج کارگران مازندولیدی زرین شریکو"، نوشته بودیم: "در این مدت ما دقتی که برادرش در کمیته ۲ کیشا است... که صحیح آن چنین است: "ما دقتی که برادرش در کمیته ۲ با کمیته گیشا است...".
۲- در قسمت پایین تر نوشته ایم که: "... یکی از کارگران را به کمیته برده و از او بازجویی میکنند که صحیح آن این بوده است که کمیته از کسی بازجویی نکرده است."

۸۲ صفحه ۱۷ تا کیده از ما است). براساسی افزایش با زدهی تولید در شرایط کنونی چه معنایی جز افزایش شدت استثمار و سودآوری برای سرما به داران از طرفی و افزایش فقر و فلاکت برای کارگران از طرف دیگر، دارد؟ چه کسانی بجز میربالیستها و وابستگان از "افزایش بازدهی کار" سود میبرند؟ ریزبونیستها یا "اکثریت از کدام جبهه انقلاب" نامیبرند که خواهان "استوارتر ساختن" استحکامات آن هستند؟ جبهه انقلابی که کارگران و زحمتکشان و سایر توده ها به سر راه انداخته اند و تا پیروزی نهایی ادامه اش خواهد داد، با جبهه انقلابی که رژیم جمهوری اسلامی مدعی به انجام رساندن آن است؟ کدما میک؟! تمامی اعمال و گفتار "فدائیان اکثریت" حکم بر آن دارند که این را با انقلاب توده ها کاری نیست. آنها با تبلیغ شعار "افزایش کار و تولید" در صدد به انحراف کشاندن مبارزان کارگران و زحمتکشان بوده و آنان را به سازش با بورژوازی دعوت میکنند، کاری که نتیجه اش تنها تشبیت پایه های حکومت خدکارگری و طبقه سرما به داران است.

"کار تولید بیشتر" کارگران میگردند. روشن است که وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست، حمایت از کارگران و زحمتکشان و افشای جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای سرما به داران ورژیم بر توده ها است اما در همین زمان بنا بر ما هیتشان، ریزبونیستها یا "اکثریت" همگام و همصدا با بنی صدها و پهنی ها و حزب توده و کلیه دشمنان طبقه کارگر در وحشت از "به خاطر افتادن امر تولید" (و در حقیقت در وحشت از به خاطر افتادن منافع بورژوازی) فریاد "افزایش کار و تولید" را سر میدهند. اینان که رژیم جمهوری اسلامی را "ملی و فدا میربالیست" قلمداد میکنند و کارگران و زحمتکشان را بدفاع از آن دعوت می نمایند، در واقع در گوشت دم توب ساختن توده ها و فریبشان، با بورژوازی همیم - اند! اینان وظیفه دارند تا تمام جناحیات رژیم را برده بوشی نمایند.

درجائی دیگر "کار ریزبونیستی" کارگران را به انجام "کاروتلاش شبانه روزی در سنگر کارخانه و افزایش بازدهی تولید در هر واحد" فرا میخواند و تولید میدهد که کارگران "در عرصه تولید تیربالی افزایش بازدهی کار، استحکامات جبهه انقلاب را استوارتر میکنند" (کار سراسری

در شرایطی که به بهانه جلوگیری از "تابعه - برای کنی صدا انقلاب"، جتی جلوی صحت کردن کارگران با یکدیگر را میگیرند، در شرایطی که کوچکترین اعتراضی کارگران را برعلیه - اجافات سرما به داران تحت عنوان "توطئه ضد انقلاب" سرکوب میکنند، در شرایطی که گرانسی و نایابی اجناس بطرز وحشتناکی کارگران و زحمتکشان را تحت فشار قرار داده است در شرایطی که با کوچکترین بهانه کارگران را اخراج می - کنند و... فدائیان (اکثریت) آگاهانه چشم خود را بر شما می اینها بسته اند و ما خواهان

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

(قسمت نهم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

رفیق روحانی: قبلا برای شما توضیح دادیم که در ملاقات های من و آیت الله قبل از هر چیزی کوشیدم تا ریخچه تشکیل سازمان، ایدئولوژی مواضع سیاسی و فعالیت های سازمان را برای آیت الله توضیح دهم، و برای آنکه بحث های ما همه جا نپرتاب شود، برخی از نشریات درونسی سازمان را نیز که در آن زمان در اختیار داشتم برای مطالعه به آیت الله دادم.

پس از توضیحات مفصل من و مطالعه کتاب "امام حسین" توسط آیت الله، مسائل مختلفی مورد بحث ما قرار گرفت که من سعی میکنم نکات برجسته آن را بطور خلاصه در اینجا ذکر کنم.

از جمله مسائلی که بین آیت الله و من مورد بحث قرار گرفت، موضوع گیری آیت الله در قبال شرایط جامعه، شیوه مبارزه و نقش توده ها در انقلاب بود. آیت الله در خلال بحث پیرامون خط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: "مردم ما دکنی برای مبارزه ندارند و کاری نمیتواند کرد و آقایان هم نمیتوانند کساری انجام دهند، اگر واقعا میری یا شاهی (!) به ما کمک میکند، مساله طور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد، ولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید."

در توضیح این مساله ابتدا من دربار مساله وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و میزان نارضایتی آنها چه در شهر و چه در روستا مطالبی را مطرح کردم و سپس نمونه های زیادی از حرکت های اعتراضی مردم نظیر تظاهرات مردم نهران در چهلم جهان پهلوان تختی در سال ۴۶، تظاهرات ضد صهیونیستی در هنگام مسابقات ورزشی ایران و اسرائیل در سال ۴۸، جنبش گسترده اعتراضی علیه گران شدن بلیط اتوبوس در اصفهان ۱۴۸، اعتصاب کارگران جهان جیت و گشتاران توسط رژیم در سال ۵۰ و مقاومت و ایستادگی حماسه آمیز دهقانان روستای "دوتپه" زحمان در مقابل فشار و ظلم و ستم فئودالها، اعتصابات و تظاهرات دانشجویان در دانشگاهها، تشکیل گروه های انقلابی و روی آوردن قشر وسیعی از روشنفکران انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه، دستگیری های وسیع و پسر شدن زندانیان جوانان مبارزان انقلابی، محکومیت و اعدام زندگان و حماسه آفرینی های زندانیان تحت شکنجه و... را برای آیت الله یادآوردم و تا کینت کردم که در اینجا وظیفه و نقش عنصر آگاه است که به آگاهی و سازماندهی توده ها بپردازد و برای اطلاع آیت الله به تشریح و توضیح مبارزات و انقلابی که در چین، ویتنام، الجزایر، کوبا و فلسطین صورت گرفته و میگیرند بپردازد و ختم و گفتیم چگونه در این کشورها نیروهای انقلابی با استکا به مردم و با نیروهای مکنات محدودی که در بدو امر در اختیار داشتند مبارزه با امپریالیست های جهانخوا را بر خاستند و در این راه با پیروزی خود همچنان به مبارزه سرسختانه شان ادامه میدهند. در ابتدا

میگذاشتیم. و از همین وجهه رفیق تراب وجه من و چه از طریق عناصری چون آقای دعا ئی که در تماس با آیت الله بودند، میکوشیدیم تا نامبرده در جریان فعال مسائل و رخداد های ایران قرار گیرد.

اما واقعیت این نبود. هر چند که آگاهی نسبت به مسائل و رخداد های ایران برای هر فردی از جمله آیت الله خمینی که در خارج از ایران بود، نمیتوانست در حرکت او موثر باشد، ولی مساله اساسی این بود که این تا شریکداری و این حرکت و جهت آن ارتباط تام و تمام و

هر جنبشی ضعیف است و در برابر رژیم و قدرت سیاسی حاکم، جنبه فرعی تفا در تشکیل میدهد، ولی اگر به نیازهای جنبش پاسخ نایسته داده شود، بتدریج و با شرکت بیشتر مردم در مبارزه جنبش رشد میکند و تا آنجا به پیش میرود که بساط ظلم و ستم دشمن را درهم میشکند، شا بد برای شما تعجب آور باشد که من برای اثبات حقا نیست گفته ها بینه آیت الله مختلف قرآن و خطبات نهج البلاغه و نمونه های عملی در تاریخ اسلام استناد میکردم و آیت الله را به آنها مراجعه میدادم. لیکن مساله، مساله معرفی نبود که

آیت الله در خلال بحث پیرامون خط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: مردم آمادگی برای مبارزه ندارند و کاری نمیتواند کرد و آقایان هم نمی توانند کاری انجام دهند. اگر واقعا میری شاهی (!) به ما کمک میکند، مساله طور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد، ولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید.

برای آیت الله قبل از هر چیز "طما اعلام"، "فضلا گرام" و "تجار محترم" مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشجویان و کارگران بیچاره و در مسواری هم این "بیچارگان" از قلم می افتادند و معلی از اعراب نبودند!

ولایت فکری با موضع طبقاتی آیت الله داشت و اینکه آیت الله در میان تماسی حرکتها و جریان های اعتراضی ایران، تنها به بازار و روحانیت و حرکت اعتراضی آنها توجه داشت و با علامیه های خود عموما و در درجه اول آنها را مورد خطاب قرار میداد، که ملا در همین رابطه قرار میگرفت. برای آیت الله قبل از هر چیز "علما اعلام"، "فضلا گرام" و "تجار محترم" مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشجویان و کارگران بیچاره و در مسواری هم این "بیچارگان" از قلم می افتادند و معلی از اعراب نبودند! وقتی هم که از مبارزات و جان فشانی های همین زحمتکشان در تاریخ مشغلا ویتنام برای آیت الله سخن میگفتم، از طرف ایشان جواب داده میشد که اینها همه اش حرف است آقا. جنگ ویتنام آمریکا و شوروی درست کرده اند که اسلحه شان را آب کنند و مردم در این میان کارهای نیستند. من توضیح میدادم آقا توده ها نیروی اصلی و محرک تاریخند، توده ها اگر به آگاهی دست یابند، به آتش افشان مبارزه تبدیل میشوند و قدرتها را در دنیا بر قدرت و نیروی مقابله کنند و هر چند در طولانی مدت او را شکست دهند. من با حوصله و وقت تمام مضمون گفته های ما ثورا در باره نقش انسان و جایگاه تاریخی او در همین رابطه حماسه آفرینی های او را در طول تاریخ و در عصر خودمان و از جمله در ویتنام، چین، کوبا، کره، الجزایر و فلسطین برای آیت الله توضیح میدادم ولی پاسخ آیت الله این بود که اگر

لازم باشد من در این باره به بحث با آیت الله بنشینم، مساله، مساله طبقاتی بود. آنچه را که من برای آیت الله مطرح میکردم نمیتوانست برای یک کارگرویک عنصر زحمتکش و با یک روشنفکر انقلابی، بسی قابل فهم باشد، چرا که او بنا بر ما هیت طبقاتی و ظلم و ستمی که بر ما و رفته است، گفته های مرا با تمام وجود احساس میکند و با افزایش آگاهی اش به درک اصولی و همه جا نپه ای نسبت به آن تا ثل میشود. اما آیت الله که در آن زمان اساسا قشر خرده بورژوازی مرفه سستی را نمایندگی میکرد، از زاویه منافع و خواسته های این قشر با مسائل برخورد میکرد و برای او آنچه که اهمیت داشت، حرکت اعتراضی با زار و روحا نیست بود و بجز آن به چیز دیگری توجهی نداشت.

در یکی از همین جلسات، آیت الله به من گفت: شما از ما دکنی و مبارزه مردم صحبت می کنید، در حالیکه روحا نیت ما هنوز حرکت نگرفته است و حتی به درک درستی از اسلام و حکومت اسلامی نرسیده است و در میان آنها هنوز کسبی نتوانسته است تحلیل کاملی از انگیزه قیام امام حسین ارائه دهد (بد نیست بدانید که این مطلب را آیت الله پس از مطالعه کتاب امام حسین که توسط سازمان تهیه شده بود من به او داده بودم اظهار میکرد) البته در آن روز ما این نحوه برداشت آیت الله را از مسائل اجتماعی و مبارزات مردم، تا اندازه نسبتا زیادی بحساب دوری وی اطلاع ای و از شرایط ایران و مساله متا شربودن از اخبار و روگزارشات محدودی که توسط برخی از تجار و بازاریان ایرانی به او داده میشد

واقعا امیری یا شاهی به ما کمک میکرد، مساله طوردیگری بود میشد روی بیشترت کار حساب کردولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید. جالب این است که آیت الله توصیه اش به ما که برای جلب کمک و همراهی او نه بخود، بلکه به انقلاب ایران نزدا و رفتنه بودیم، این سوخته شما هم کاری از پیش نخواهد برد و در سخنرانی اخیرش (۴ تیرماه) هم با صراحت بیشتری به این مساله اشاره کرد و گفت من به اینها گفتم که "ببخود خودتان را به یاد ندهید." آخرین حرفی که آیت الله به صراحت به من گفت این بود: "آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید (!). واقع امر این است که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم."

دریدو امر ممکن است تصور شود که منظور آیت الله از این گفته که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم"، جنبه تاکتی مساله باشد یعنی اینکه آیت الله مثلا بدلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرفتن این مبارزه که غالبترین شکل مبارزه است، در آن شرایط آن را نفی میکنند و بدان اعتقادی ندارد و این به معنی نفی ضرورت مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی نباشد.

روشن است که اگر منظور آیت الله از این گفته، چنین چیزی بوده باشد (که نمیتوانست باشد)، این حرف، کاملاً بجائی بود، چرا که منی ما آن روز بدلیل ویژگی ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی مان، یک مشی خرد بورژوازی بود که میخواست قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه را در شرایطی دردستور کار قرار دهد که توده ها هنوز آمادگی پذیرش آنرا نداشتند و مبارزات آنها در سطح پایتنتری قرار داشت و از اینرو منی ما یک مشی آوا نتورستی و جدا از توده بود که بهیچوجه قادر به هدایت مبارزه طبقاتی توده ها نمی توانست باشد. اما من با بدیقا طبیعت بشما بگویم که چنین تصور برداشتی در مورد اعتقاد آیت الله نسبت به مبارزه مسلحانه بهیچوجه درست نیست. این گفته آیت الله که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" نه از جهت تاکتیکی و نه از زاویه عدم آمادگی توده ها برای درگیر شدن در چنین سطحی از مبارزه، بلکه مشخصا از زاویه عدم اعتقاد به ضرورت قهر مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی است و این، دلایل فراوانی دارد که من سعی میکنم در اینجا به جنبه های آن اشاره کنم.

قبل از هر چیز بیا بدگفت که اعتقاد به شکل مبارزه هیچگاه جدا از مضمون مبارزه طبقاتی و هدفی که مبارزه بخاطر آن صورت میگیرد نیست. بعنوان مثال رویونیستها و از جمله حزب توده را در نظر بگیرید. آنها با تجدیدنظر در اصول مارکسیسم و نفی دیکتاتور ی پرولتاریا و تبلیغ آنتی طبقاتی و با پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری و... طبیعی است که قهر انقلابی را هم نفی کنند و بجای آن روی مبارزه مسالمت آمیز تکیه

کرده و آن را تبلیغ نمایند. و با مثلا لیبرالها را در نظر بگیرید. آنها که در زمان شاه در صدد سازش و بسودست با رژیموی و امیریا لیستها بودند و میگفتند "شاه با بدسلطنت کند و نه حکومت" و مبارزه تان هیچگاه نه برای تامین خواسته های مردم (که نمی توانست باشد) بلکه برای بدست آوردن سهم بیشتری از غارت و استثمار رکارگان و زحمتکشان بود، طبیعی است که برای رسیدن به چنین هدفی، با رلمان تارسم و شیوه های اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز مبارزه را

شما رسلخ توده ها و قیام مسلحانه، شما رشت در برابر کلوله را میداد. و تا آخرین لحظه هم از دستورها دود داری کرد.

اگر در سال ۵۰ و در زمان ملاقات من با آیت الله، شرایط برای مبارزه مسلحانه با رژیم آمادها نبود، نیمه دوم سال ۵۷ این شرایط وجود داشت و اگر منی بیننده که آیت الله خمینی حتی در شرایط اوج جنبش توده ای و موقعیت انقلابی، از دست زدن به بلاخ و مبارزه مسلحانه مردم در برابر ارتش سرنا با مسلح آمریکا شی

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت بمن گفت این بود: "آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید (!). واقع امر اینست که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم."

در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکائی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را براد مردم خطاب میکرد و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینمود و بجای شما رسلخ توده ها و قیام مسلحانه، شما رشت در برابر کلوله را میداد و تا آخرین لحظه هم از دستورها داری کرد.

شاه خاشن ترس دارد، دیگر نمیتوان این گفته او را در سال ۵۰ که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" یک برخورد تاکتیکی تلقی کرد.

در اینجا بیا به توضیح این نکته مهم بپردازم که عدم اعتقاد آیت الله به مبارزه مسلحانه معنی این نیست که در قبال طبقات و نیروهای که با آنها تافتا کونست (آنتی ناپذیر) دارد، دست به اسلحه نمیبزند. بالعکس این قانونمندی مبارزه طبقاتی است که طبقات متخاصمبا استفاده از اتکال مختالف، مبارزه و در راس آن شکل قهر آمیز، در برابر یکدیگر به مبارزه برمی خیزند. مبارزه قهر آمیز پرولتاریا و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران با رژیم شاه و متفابلا کشتار ددمنانه و وحشیانه مردم توسط این رژیم بیا نگره میس مساله بود. چرا که در بیرویم همین لیبرالها و آیت الله خمینی که در گذشته هر یک در سطحی از کشتار مبارزه مردم به سازش کشا شدن آن و جلوگیری از تسلخ و مبارزه مسلحانه آنها علیه رژیم شاه جلوگیری و حتی پس از قیام برای حفظ ارتش و سیستم سرمایه داری وابسته، به خلع سلاح توده ها پرداختند، از همان زمان به این طرف در مقابل مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست شدت ایستادگی نمود و با سخ آنها را با کلوله و کشتار میدهند. مردم ما هیچگاه لشکرکشی به کردستان و کشتار انقلابیون و خلق قهرمان کرد را که بدستور آیت الله صورت گرفت از یاد نمیبرند، مردم ما هیچگاه سخنان سال گذشته آیت الله را در تافتا از اینکه چرا چوبه های دار را در میدانهای بزرگ برای کمونیستها

با رژیم شاه در پیش بگیرند، دعوی آنها بیا رژیم شاه و امیریا لیستها دعوی دلدادگان بود و دعوی دلدادگان هم که نیازی به سلاح و قهر مسلحانه ندارد!

اکنون آیت الله خمینی را در نظر بگیرید. هر چند که موضع آیت الله با موضع لیبرالها تفاوت داشت و آنکارا میان او و قناری که آنها را نما بندگی میکرد با رژیم شاه و امیریا لیسم تفاوت وجود داشت و در همین رابطه به یکسری حرکت های اعتراضی بر علیه رژیم شاه و امیریا لیسم آمریکا از سال ۴۱ به اینطرف دست زد. ولی تا مدت ها و تا همین او را خردوران رژیم شاه هیچگاه هدف سرنگونی رژیم شاه را در نظر نداشت و این را شما میتوانید از مضمون و محتوای تمامی اعلامیه ها و خطابه ها و خطبه های آیت الله در دوران گذشته و از جمله سالهای ۵۷-۴۱ بدست آورید. رفیق تراب در مصاحبه خودش با شما نمونه های برجسته ای از آنها را برای شما بطور مستند توضیح داده است و من دیگر نیازی به تکرار آنها در اینجا نمی بینم.

از اوایل سال ۵۷ به اینطرف هم که آیت الله با تا شریذیری از شرایط اعتلا جنبش و بدایش موقعیت انقلابی در ایران به مبارزه خود بر علیه رژیم شاه شدت بیشتری می بخشد، و برخلاف لیبرالها خواستار نابودی سلطنت در ایران میشود، ولی با توجه به موضع طبقاتی او و قشری که آن را نما بندگی میکرد، و با توجه به ماهیت قدرت سیاسی ای که او در صدد ایجاد آن بود، یعنی حکومت اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه، هیچگاه حاضر به مبارزه ای جدی و قاطع بر علیه رژیم و ارگانهای آن و از جمله ارتش، این ارگان سرکوب دشمن نبود و شما مردم ما خوب میدانید که در دهه در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکا شی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را براد مردم خطاب میکرد و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینمود و بجای

شما رسلخ توده ها و قیام مسلحانه، شما رشت در برابر کلوله را میداد. و تا آخرین لحظه هم از دستورها دود داری کرد.

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادار در خارج از کشور و تشکیل «اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر»

چندی پیش رفقای دانشجویان و محصلین هوادار سازمان در خارج از کشور سمیناری تشکیل داده و بر اساس تصمیمات آن سازمان خود را تحت نام "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بوجود آوردند. رفقای هوادار برای ماکزارشی از سمینار قطن نامه ها و پیا مهای خود را ارسال داشته اند که ما در اینجا فقط به درج گزارشی از سمینار اروپا می‌پردازیم. زمان اقدام مینامیم و موفقیت هر چه بیشتر این رفقا را در راه آرمان پرولتاریائی آرزو مندیم.

هیات مسئولین موقت موظفند طی حداکثر شش ماه تعداد یک کنگره سرتاسری را بسینند، تا طی این کنگره اساسا مباحثی تصویب و همچنین هیات مسئولین دائمی انتخاب گردید. به این ترتیب سمینار سرتاسری پس از ۵ روز در ۲۲ سینا میربا تصویب یک قطن نامه موردمبارزات مردم ایران و فرستادن پیامها سی به سازمان پیکار، دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی با موفقیت در میان شور و سرودهای انقلابی رفقای هوادار به کار خود ادامه داد.

در ضمن در طول سمینار پیا مهای هیستکی که از طرف "مسئولین اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان پیکار"، "دانشجویان هوادار سازمان پیکار - هند"، "سازمان دانشجویان عراق در ایالتی"، "کنفدراسیون دانشجویان ترکیه در خارج (TÖK/ÜD)"، "انجمن - های دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سازمان چریکیهای فدائی خلق ایران" فرستاده شده بود قرا شد گردید.

اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۳ ماده است با پیوستن به "دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار" مرکزی، همچنین با تبلیغ مواضع و فعالیتهای سیاسی سازمان پیکار و مبارزات خلقهای ایران، افکار عمومی جهانی را آگاه سازد.

گسترده تریا دیرجم مبارزات خلقهای ایران! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ بر امپریالیسم و رتاج داخلی!

هیات مسئولین موقت اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور

هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۹/۷/۱
بقیه در صفحه ۲۵

خوددربی تشکیل سازمانی مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار برآمدند. بدین منظور و برای تحقق بخشیدن به این هدف خود یک سمینار سرتاسری با شرکت هواداران سازمان پیکار در خارج از کشور در شهر ریمینی ایتالیا در ۱۸ سینا میربا برگزار گردید.

سمینار با اجرای سرود "ای رفیقان" از طرف کلیه رفقا آغاز و گشت و پس از آن پیامهای سازمان پیکار و دانشجویان و دانش آموزان هوادار "سازمان پیکار" که برای سمینار فرستاده شده بود قرا شد گردید. پس از آن به منظور اجرای اصل دمکراتیسم هیات رئیسه دائمی سمینار متشکل از نمایندگان واحدهای کشوری شرکت کننده انتخاب شدند.

سپس به منظور آگاهی و جمع بندی از اوضاع هواداران در خارج از کشور کلیه نمایندگان واحدهای شهری گزارشی کوتاه از اوضاع خود ارائه نمودند.

در طول سمینار در باره مقاله ای از اوضاع ایران که در برگیرنده اوضاع جامعه از انقلاب مشروطیت تا کنون میبود بحث و شوالاتی مطرح شد که رفقای بحثهای خود به سوالات نیز پاسخ دادند.

از دستاوردهای این سمینار تصویب اساسنامه ای موقت مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار بود. با تصویب این اساسنامه در ۲۱ سینا میر مطابق با ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ و انتخاب هیات مسئولین موقت که مرکب از سه نفر (مسئول تشکیلات و مالی، مسئول دفاع و بین المللی، مسئول انتشارات، تبلیغات و فرهنگی) میباشند. سازمان مورد نظر تحت نام

"اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تشکیل شد، که طبق بند ۲ اساسنامه این اتحادیه، "اتحادیه ایست دانشجویی، سیاسی، مل و تنوذه ای که خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک آن نویسه سازمان پیکار و تدوین میگردد. اجزا تشکیل دهنده این اتحادیه از طریق کانالهای تشکیلاتی که توسط خود سازمان پیکار رایجا میشود در بر سه تدوین خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک شرکت دارند.

در حالیکه این اتحادیه از نظر تشکیلاتی مستقل میباشد. این اتحادیه در برگیرنده کلیه واحدها و هسته های شهری و کشوری هوادار سازمان پیکار میباشد.

بحران اقتصادی و جنبش روبه اعلا ی خلق - های ایران و در پی آمد آن بحران سیاسی در سالهای ۵۶ و ۵۷ در نقطه اوج خود در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به شکل قیامی شکوهمند و مسلحانه تجلی نمود. به علت ضعف نیروها و کمونیست و انقلابی و نبودن دستا در زنده مستقل طبقه کارگر، رهبری این جنبش عظیم را نه پیشتر از آن طبقه کارگر، بلکه خرده بورژوازی مرفه سنتی بدست گرفته و طبقه کارگر ایران و دیگر رتجانشان را نیز بدنبال خود کشید. و در پی آن قدرت سیاسی توسط این قشروه همراه بورژوازی لیبرال و با زماندگان بورژوازی کمپرادور غیر بورو - کرات رژیم سابق غصب شد.

پس از حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بنا بر ما هیات این رژیم به علت عدم توانا نشی از حل بحران نه تنها بحران اقتصادی - سیاسی موجود بهبود دنیا فت، بلکه روز بروز بر عمق آن افزوده گشت و در نتیجه جنبش خلقهای ایران رو به اعلا ی انقلابی نهاد.

روزی نبود که جنبش قهرمانان نه خلقهای ایران در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، بندرانزلی و... سرکوب نگردد. در هر نقطه ای از ایران که صدای اعتراض بلند میشد با حمله شدید رگانهای ضد خلقی رژیم عم از ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران روبرو میگشت. رژیم جمهوری اسلامی به این نیز اکتفا نکرده

سمی در باره زین گرفتن یک به یک دستا وردهای انقلاب از خلق ایران را دارد. در پی این برنامه و سیاست رژیم است که مقاومت دانشجویان انقلابی در کلیه دانشگاهها به خون کشیده میشود و فرزندان دلیبر خلق اعدا میگردند. در چنین شرایطی است که وظایفی بس سنگین بسدوش

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی قرار دارد و طبیعی است که مرزهای جغرافیائی نهدی در مقابل مبارزه طبقاتی خواهد بود و نه مانعی برای انجام بخشی از این وظایف توسط دانشجویان و محصلین خارج از کشور.

با آگاهی به این مسئله دانشجویان و محصلین ایرانی هوادار "سازمان پیکار در خارج از کشور برای انجما بخشیدن به مبارزات

بقیه از صفحه ۵ جنبش...

ندارد. کسانی که در پی به سازش کثاندن این جنبش با شندبه نایبودی کشیده میشوند بی سبب نیست که حزب خائن توده در میان مردم رزمنده کردجا نشی ندارد و بی سبب نیست که سازمان چریکها (اکثریت) بعنوان نیروی فدا انقلابی ازدها و وشهرهای کردستان طرد میشود.

حالات خشمگینانه توده های زحمتکش شهری به دفاع ترین سازمان در کردستان، نشاندهنده تنقیر عمیق خلق کرد از زهر نیروی خائن و سازشکار میباشد. باعث تاسف است که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی قدم در راهی گذاشته اند که سازمان چریکهای فدا نشی (اکثریت) در دنباله روی از حزب ورشکسته توده را آغاز نموده و به صف فدا انقلاب پیوست. این نیروها با مهملائی از قبیل دفاع از توده ها در مقابل به با تاج و زات عراق و "صف مستقل" نه تنها به انقلاب خلقهای ایران ضربه میزنند، بلکه عملاً رژیم را برای سرکوب انقلاب و خلق کرد تقویت میکنند.

اکنون اینان نغمه مبهم و شوم "ملح در کردستان" را ساز کرده اند و اینجا و آنجا زمزمه - ها نشی برای خفیف کردن و یا توقف مبارزه انقلابی خلق کرد و در حقیقت توقف مبارزه طبقاتی و ملی را سروده اند.

نگاهی به نشریات نیروهای مثل رزمندگان و "راهکارگر" ما را بیشتر با مواضع منادیان سازش طبقاتی آشنا میسازد. رزمندگان در مقاله ای تحت عنوان "آتش بس در کردستان به نفع خلقهای ماست" به رژیم جمهوری اسلامی نصیحت میکنند که "بجای گشودن جبهه سوم بر علیه متجاوزین عراقی در کردستان" و "بجای اینکه علامت ش بس نما بیند و جنگ با خلق کرد را ادامه دهند همچنان به محاربه اقتصادی نظامی و کشتار خلق کرد ادامه میدهند." (رزمندگان شماره ۲۲).

در سرتاسر مقاله رزمندگان سخنی از خواسته برحق جنبش مقاومت خلق کرد در میان نیامده است با ید از ایننا پرسید: کدام آتش بس و کدام ملح؟ هیچ نیروی انقلابی و کمونیست و هیچ خلق تحت ستمی مخالف ملح نیست. مهم این است که این "ملح" و "آتش جنگ" و "آلام آتش بس" به چه بهایی باید در کردستان برقرار

شود؟ به بهایی سازش با رژیم و خدمت به آن در جنگ ارتجاعی کنونی و زیر پا گذاشتن حقوق و دست آوردهای جنبش مقاومت خلق کرد؟ یا با تا مین خواسته های برحق خلق کرد و رفع ستم ملی و طبقاتی از زحمتکشان کردستان؟ آنچه که مسلم است اینکه تا مین خواسته های انقلابی خلق کرد، تنها از طریق مبارزه ای بی امان با هیئت حاکمه و بیوند این مبارزه با مبارزات خلقهای سراسر ایران میسر است و نه چیز دیگر در تحت حاکمیت ارتجاع، فقط در شرایطی که توده ها مسلح هستند میتوان ملح را به ارتجاع تحمیل کرد.

ارتجاع هیچگاه ملح را تقسیم نخواهد کرد. برای ما سردادن ندای "ملح در کردستان" آتش بس و... از طرف این نیروها تعجب آور نیست در جنگی که سرما به داران دو کشور ایجاد کرده اند بنظر اینان مبارزه علیه ارتجاع خودی اولویت خود را از دست داده و می بایست همسو با بورژوازی و برای به اصطلاح دفاع از توده ها در جنگ ارتجاعی شرکت کرد. حال طبیعی است که اینان در مورد جنگی که از طرف ارتجاع حاکم بر خلق کرد تحمیل شده دچار انحراف شده و نغمه ملح سازش در کردستان را سر دهند.

جنبش خلق کرد و وظایف کمونیستها

جنبش مقاومت خلق کرد، عادلانه و انقلابی است، چون مبارزه ایست برای پاره کردن زنجیر سالها ستم ملی - طبقاتی. این جنبش با شرکت زحمتکشان شهر و روستا آغاز شده و همچنان ادامه دارد جنگی است متکی بر توده های زحمتکش مسلح و غیر مسلح. تنها زمینه حاکمیت همه جا نبه و فعال دیگر خلقها و بویژه کارگران. تنها بزرگین جنگ ایران و عراق با جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه ارتجاع حاکم نیز درست در اساسی ترین مسئله مربوط به جنگ یعنی ما هیئت عادلانه و غیر عادلانه دانستن آن است. به علاوه آنچه که مهم بوده و باید بر آن تاکید داشت، از جمله اهدافی است که رژیم جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق بویژه در رابطه با خلق کرد دنبال میکند و آن سرکوب همه جا نبه خلق کرد زیر لوی جنگ با عراق میباشد. آری، اینها مسائل اساسی هستند که دفاع طلبان و منادیان ملح به بوته فراموشی سپرده اند.

نخستین در صفحه ۲۵

بقیه از صفحه ۶ اخباری از...

بشت روستای مذکور سنگر گرفته بودند و نیروهای دشمن در نبرد که به بین پیشمرگان و نیروهای دشمن روی داد. دشمن مجبور به عقب نشینی گردید. پیشمرگان به تعقیب آنها پرداختند و در ساعت ۱۰ شب کوههای پشت "دولاب" بدست پیشمرگان افتاد و آنها روبه گردنه "دولاب" و قلعه "مهوالان" عقب نشینی کردند. در این نبرد عده ای از ارتشیان و پاسداران و جاسها کشته و زخمی گردیدند. در ساعت ۴ صبح روز بعد پیشمرگان کومله و بیجا را برای پاک کردن منطقه از وجود پاسداران و جاسها را دیگر کوههای "سرجی" و "دولاب" بالا رفته و به سنگرهای آنان حمله بردند. مجدداً در نبرد سخت و قهرمانانه که تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت پیشمرگان قلعه "مهوالان" و گردنه "دولاب" را پس گرفتند و دشمن بسوی شور عقب نشینی کرد.

در این نبرد دشمن که روحیه خود را از دست داده بود، در تمام مدت درگیری روستاهای "سرجی"، "تا"، "هنی من" و "کوله ماره" را با خمپاره و توپ می کوبید. در این درگیریها خسارات زیادی به دشمن وارد آمد و پیشمرگان همگی سالم به دولاب رسیدند و در آنجا با تشکیل اجتماع پر ثوری برای مردم در مورد هدفهای عادلانه جنبش مقاومت و جنبات رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق سخنرانی کردند. پیروزی پیشمرگان کومله و بیجا در بیرون راندن نیروهای رژیم ضد خلقی ایران و همچنین مزدوران وابسته به بعثت رژیم ارتجاعی است که در این منطقه را به پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت بسیار افتخار داده است.

(بمنقل از خبرنامه شماره ۸۵ کومله)

حمله نیروهای ضد خلقی بعثت به روستاهای کردستان عراق

کردستان عراق ۲۷/۷/۵۹

ساعت ۲ بعد از ظهر این روز نیروهای ضد خلقی بعثت عراق در حمله به آتش توپخانه سنگین بسوی روستاهای مرزی "شینی" و "نیوزنگ" پیشروی نمودند. در بلندبهای کوهستان ما مه نده "پیشمرگان قهرمان" اتحادیه میهنی کردستان عراق را برابر آنها سد کرده و طی یک نبرد کم نظیر ده ساله دهها مزدور بعثتی را به هلاکت رساندند و آنان را وادار به عقب نشینی نمودند. بطوریکه بعثت حتی نتوانستند جنازه کشته شدگان خود را نیز از میدان خارج کنند. در این نبردها تن از پیشمرگان فداکار و انقلابی اتحادیه میهنی بشهادت رسیدند و ۴ نفر زخمی گردیدند. با دیبا افتخار آنها در تاریخ مبارزات عادلانه خلقها و زحمتکشان جهان همواره جاویدان خواهد ماند.

(بمنقل از خبرنامه شماره ۸۵ کومله)



منتشر شد:

جنگ راهکار

کتابچه ۱۶۰ صفحه ای در ۱۶۰۰ کلمه

نویسنده: دکتر علی غفاری

موضوع: مبارزه با رژیم بعثت و نیروهای ضد خلقی

قیمت: ۱۰۰۰ ریال

مکان: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰

تلفن: ۱۲۳۴۵۶



چگونه به تبلیغات علیه جنگ بپردازیم

نامه‌های بسیاری بدستمان رسیده است که ضمن برخی انتقادات به نحوه تبلیغ علیه جنگ در "خبرنامه جنگ"، خواستار توضیح چگونگی تبلیغ در این باره شده‌اند، ما می‌کوشیم تا در اینجا بطور مختصر به این مسأله پاسخ دهیم: رفقا! همان‌طور که در مواقع رسمی سازمان اعلام کردیم، ما این جنگ را جنگی ارتجاعی و غیرعادلانه میدانیم که به زیان کارگران و توده‌های هردو کشور است. اما نحوه تبلیغ این سیاست در میان توده‌ها و بلاخص طبقه کارگر بسیار ظریف و دقیق است، چه از طرفی با پدیده‌های روحیه‌ست با سیفستی و فرمستی که از موضع لیبرالیستی با جنگ مخالفت و چه با گرایش‌ها و روشیستی که بیدارنگ جنگ داخلی را تبلیغ مینماید، مرزبندی شود.

۱- انحراف پاشیفستی - فرمستی: اگر تبلیغات ما مأموریتی باشد که صرفاً فجایع جنگ، خرابی‌ها، ویرانی‌ها، آوارگی‌ها، کشتار و آتش‌سوزیها و... برجسته شده و بجای تکیه روی جنبه طبقاتی جنگ، به نتایج عملی آن توجه شود، با پدیده‌ها که ما در تبلیغات خود دجا را انحراف پاشیفستی - فرمستی شده ایم چنین تبلیغاتی روحیه توده‌ها را دجا رخمودگی و سستی نموده، شور انقلابی آنان را به ترس و دلهره از جنگ تبدیل می نماید. هرگاه تنها از فجایع جنگ سخن گفته شود، در توده‌ها ترس از خرابی‌ها و ویرانیهای جنگ و خودجنگ و ترس و نومیدی از مبارزه قهرآمیز شدت گرفته و متقابلاً روحیه صلح و آرامش لیبرالی جای آن را میگیرد. در شرایط کنونی که توده‌ها از پتانسیل انقلابی و شورمبارزاتی قوی برخوردار هستند، ما نمی‌توانیم با پدید آمدن ترس و وحشت از جنگ و آثار آن مانع شویم، بلکه با نمکس با پدیده تهییج توده‌ها بپردازیم و به آنها نشان دهیم که عدم شرکت آنها در جنگ نه از زاویه ترس و وا همه از جنگ و با فرا زعوازش و آثار آن، بلکه با پدید آمدن وا همه از جنگ و ارتجاعی بودن آن باشد. وگرنه در یک جنگ عادلانه و انقلابی این پرولتاریا و زحمتکش‌هاست که با پدید آمدن مقدم جبهه برای رها شدن خود از زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع قهرمانانه جنگند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نکنند. پرورش روحیه توده‌ها و حفظ رزمندگی آنان و

زنده کردن خاطرات جنگهای انقلابی و آزادی - بخش سر تا سرچنان و با فیا مبهمن ما را - بران و مبارزات حماسه آفرین خلق کرد و ترکمن در ذهن توده‌ها، از وظایف حتمی روزمره کمونیستها است و این هنگامی میسر است که ما در افشاگری - های خود علیه جنگ اساساً و عمدتاً - بر روی مضمون طبقاتی آن، و نه نتایج آن تکیه کنیم.

۲- انحراف آنا روشیستی: با تمام ایهیتی که مضمون طبقاتی جنگ برای ما دارد، هرگاه صرفاً روی آن تکیه شود در این رابطه به ذهنیت و درجه آماجگی توده‌ها توجه نشود، یقیناً دجا رجب روی شده ایم. مثلاً همان شعار "تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی" که یک شعار - ترویجی و بیجا کننده سیاست استراتژیک ماست، تبلیغ آن در چنین شرایطی جز از ذهنیت خویش حرکت کردن و بیگ بر خوردن است و آنا روشیستی، معنای دیگری ندارد، چرا که اکنون در جامعه ما موقعیت انقلابی وجود ندارد و توده‌ها در آن سطح از آماجگی قرار ندارند که بخوانند و بتوانند این شعار را به عمل در بیاورند.

در همین جا و قبل از آنکه بطور مشخص به نحوه تبلیغ علیه این جنگ بپردازیم، با پدید آمدن ارتباط با مطالب بازگوشیم که ما علیه رجم برخورداریم با جنگ ایران و عراق و حرکت از ما هیت ارتجاعی آن و عدم شرکت در این جنگ و مرزبندی با نظرات سوسال شوینیستی و دفاع طلبانه، در نحوه تبلیغ دجا رراست روی و چپ روی هر دو شده ایم، چه آنجا که در خبرنامه جنگ در مواردی بیش از آنکه به جنبه طبقاتی جنگ در اخبار روگزارشات تکیه شود به نتیجه و آثار مصیبت با آن تکیه شده بود و چه آنجا که در برخی از متون تبلیغی، شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به

جنگ داخلی مطرح شده بود و این تصور را بوجود می‌آورد که گویا این شعار را در دستور روز توده‌ها قرار داده ایم. اما ما مین و نحوه تبلیغی که با بد علیه جنگ بگا رگرفته شود از این قرار است: افشاگری علیه جنگ با پدیده تنبیز افشای ما هیت دور زیم بران و عراق و اهدافشان از این جنگ که مفا بر با منافع توده‌هاست با شد، با پدید به توده‌ها توضیح داد که پیروزی هر یک از طرفین درگیر در این جنگ به تشبیهت حکومت آلمان و بندگی بیشتر توده‌ها خواهد انجامید. با پدید توده‌ها نشان داد که جناح‌های مختلف رژیم‌ها استفاده از این جنگ می‌کوشند که موقعیت خود را بضرر حریف هر چه بیشتر تقویت کنند. با پدید ادعاهای دروغین حکومت را مبنی بر مبارزه فدا مهربا لیستی اش در این جنگ رسوا کرد و نشان داد که تصمیم به آزادی گروگانها تلافی است برای گرفتن اسلحه و قطعات بدکسی از امپریالیسم آمریکا و آغاز روابط گسترده با آن و نشانهای استازا بنکر رژیم هرگز نمی‌توانند علیه امپریالیسم مبارزه کنند. با پدید نشان داد که چگونه رژیم‌ها شدت هر چه تمامتر به سرکوب کارگران و زحمتکش‌ها می‌پردازد و چگونه با استفاده از شراب و جنگی، خفقان و ترور و سرکوب خود را گسترش داده و عملاً نوعی حکومت نظامی ایجاد کرده است. با پدید نشان داد که چگونه رژیم به پدیده جنگ تشکلات منفی - سیاسی طبقه کارگر را بیش از گذشته بنا بود میکند، تولید را افزایش میدهد، کارگران را اخراج میکند، چگونه جنبش خلق کرد را و جنبه‌ها نه مورد حمله قرار میدهد و به کشتار زنان و مردان، و کودتا و محاصره اقتصادی کردستان می پردازد، چگونه فعالیت انقلابیون را محدود و ترک کرده و به دستگیری و

بسوی فردای سرخ

من یک مادر هوادار سازمان پیکار هستم که این شعرا به تمام زنان زحمتکش تقدیم میکنم. به امید پیروزی زحمتکش‌ها.

اینک سم توه هم میزها با گازهایی سمی کارخانه درهم آمیخته است
و کارگران، همه قربانیان سرما به درجنگی نا برابری
بدنهای خونین و گرسنه‌شان
میهن سرما به داران را پاس میدارد.
و همچنان جمهوری سرکوب
تا زبانه‌هاش را
بر بدن خونین و گرسنه خلقها می تازاند
و همچنان در جمهوری فریب
صف متحدکارگر
جدا، جدا و متفرق، به اعماق جامعه رانده میشود
و هنوز هم بچه‌های کوچک خزانه
هر روز صبح با آرزوی رفتن به مدرسه

به کارخانه‌ها سرا زیر میشوند.
و هر روز هزاران هزار مردان کار
بیکار و گرسنه در شهر پسر سه میزندند
و آهسته آهسته دیوارهای توهم شهر را
با مشت‌هایشان بلرزده در میاورند
و همچنان جمهوری توهم، در شهر حکمفرماست
و خفاشان خون آشامش
هر روز با شکمهای آساز کرده
و دستهای پنبه‌ای‌شان
در شهر به گردش میروند
ولی این را مشت‌های آهنین کارگران،
چشمهای سرخ بچه‌های خزانه
این رازنا زجر دیده و قهرمانان
این را خلقهای دلاورمان
بزودی خواهند دانست،
که چگونه دیوارهای فریب و توهم را درهم شکنند
و گام بسوی فردای سرخ بگذارند،
که جمهوری توهم و سرکوب و فریب
ماندنی نیست.
که تا کمیت سرما به، جا و دانند نیست.
با شیر ۵۹

رفیق کارگر!

خوبش است. در مورد غنی تر کردن اخبار کارگری نیز، بیش از همه رفقای کارگر کمونیستی مانند تومی باستی بکوشند تا نشریه شان را پیکار اخبار دقیق تر و ارزنده تری در اختیار داشته باشد و اخبار کارگری و وقایعی که در کارخانه‌ها و محلات زحمتکش رخ می‌دهد برایمان بفرستند.
به امید پیروزی راهمان!

با درودهای گرم رفیقا نه دست را می‌فشاریم در مورد کمکهای مالی تو دو دیگر زحمتکشان با بد بگوئیم، اصولاً یک سازمان کمونیستی با بد اساساً بر کمکهای کارگران و زحمتکشان اتکا داشته باشد و سازمان ما نیز با کمکهای کارگران و زحمتکشان، قادریم تا مظلومان و مظلومات را از دست دشمنان نجات دهیم.

نامه‌ای از یک مادر مبارز

سلام من به سازمان پیکار که زحمت زیادی در راه مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دولت مترجع می‌کنند بسیار سپاسگزارم و امیدوارم که در این راه موفق با بشید من مادری هستم با ۳ فرزند، من چندان سواد می‌دانم و با آوردن روزنامه پیکار که بسیار با من است و اخبار را می‌خوانم و اطلاعات و آگاهی زیادی بدست آورده‌ام و از اینک شما شب و روز در راه طوفان کارگر و زحمتکشان کوشش و تلاش کنید بسیار ممنونم و امیدوارم در این راه همیشه پیروز باشید و من که این روزها ما را هر چه بچها می‌دهم و هر چه خودم می‌دهم دی‌خود می‌خوانم چیزهایی که از آن‌ها فهمیده‌ام تا آنجا این که بتوانم به دیگران نیز آرایم و هیچ کاری از دستم ساخته نیست و هر کوی چکیتزین کاری هم که بتوانم می‌کنم کمک تا چیزی که شما کرده‌ام و پول کلان‌تری که این است که می‌کنم امیدوارم صورت قبول شما باشد و اگر داری دیگر از دستم ساخته باشد با همان میل در انجام آن حاضرم امیدوارم پیروز باشید
مادر شما - ن

کشتار بهیچ‌مانه آنان دست زده است، با بسند نشان داد که چگونه رژیم بهیچ‌مانه نتواند بدون دستاوردهای انقلاب بردا خسته و منحرف نمودن اذهان توده‌ها و با فریب آنها مانع بسط و گسترش مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها می‌شود. بعلاوه در این جنگ، با بدو ظایف طبقه کارگر به شدت تبلیغ گردد، با بدو ظایف مبارزات مسلحانه خلق که علیه رژیم و حقانیت این مبارزات تبلیغ شود، با بدو موانع خانقانه رویزیونیستهای "سه‌جهانی" و "توده‌ای" و فداشی (اکثریت) که به دفاع کامل از بورژوازی خودی برخاسته و نفع سازش و تسلیم را برای کارگران و توده‌ها سر می‌دهند افسان نمود، با بدو تحرفات رویزیونیستی و دفاع طلبانه را که می‌کوشد جنگ کنونی را آشکارا و غیر آشکارا دلاانه جلوه دهد و از این طریق توده‌ها را به قربانگاه بورژوازی می‌برد. فرستد، با صدای رسا اعلام بر علیه آن مبارزه شود، با بدو به پرورش روحیه انقلابی کارگران و زحمتکشان توجه جدی شود و با هرگونه بی‌تفاوتی و باسیغیم در قبال جنگ مبارزه شود، با بدو نشان داد که جنگ در راستای خودی تشدید فاکت توده‌ها همراهم بوده و ناگزیر مبارزاتی و عصبان توده‌ها را برخواهد افروخت و آنان را در مبارزه علیه رژیم به پیش خواهد راند و با لایحه‌ها به بدو ضرورت مبارزه با جوخقان کنونی و سرکوب آزادیهای دمکراتیک و ضرورت مبارزه در جهت دفاع از آخرین دستاوردهای قیام در تبلیغ منعکس شود. آری، تنها با تکیه بر این وسایل و برجسته نمودن آن در تبلیغ میتوان از زاویه طبقاتی (و نه فرمیستی) به تبلیغ علیه جنگ پرداخت، توده‌ها را آگاه کرد، آنها را سازمان داد. و از این طریق به رشد و گسترش جنبش توده‌ای در من رده و توده‌ها را هر چه وسیعتر و گسترده تر بسازد انقلاب آماده ساخت.

پیروز باشید!

نامه‌ای از رفیق کارگر "الف"

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اینک که این نامه را من نویسم در کنارم نشریه پیکار ۱۳ آبان و کتاب کارگر و زحمتکشان ما نیست است. در حال خواندن پیکار بودم که صفحه‌ها و کمکهای مالی را دیدم و به فکرنا منوشش به سازمان افتادم و از خود انتقاد کردم و گفتم پولی را که از راه فروش نیروی کار خود به سر ما به‌داند دست آورده‌ام برای سازمان بفرستم برای هر چه بیشتر آگاه کردن کارگران و زحمتکشان در مورد انقلاب و تحریر پیکار بودم. در ضمن از سازمان میخواهم خبرهای کارگری را افزایش دهد و آدرس کارخانه‌ها و پیکار کارها را فراموش نکند.

برای سازمان آرزوی موفقیت می‌نمایم. چون نشریه پیکار، این نشریه کارگران و زحمتکشان را هر شاره‌ها و دهر و گویا بره‌جات می‌رساند

مادر ما را!

استوار می‌گردد. تمامی کوششهای ما منتهی به آن است که بتوانیم رابطه‌ای تنگاتنگ و استوار با زحمتکشان برپا کرده، ما را انقلاب را به پیش بریم. کمک و حمایت شما نشانی از نشریه تلاشمان است.

کمکهای گرانقدر شما را دریافت کردیم. اینگونه حمایت‌هایی که سوسله زحمتکشان به ما می‌نهند و ما بزرگواریم که ما می‌توانیم در مبارزه‌ها مستقیم و غیر مستقیم در کنار شما باشیم و در مبارزه‌ها مستقیم و غیر مستقیم در کنار شما باشیم.

پیروز باشید!

آنچه در این شماره در ذیل عنوان فوق می آید ادامه مقاله شما ره پیش است که متأسفانه تبدیل کمبودها در این شماره آمده است. در قسمت‌های قبلی مقاله به ظهور جنبش کارگری و کمونیستی و سهمی که این جنبش در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عراق ایفا کرده برداشته ایم. سپس به سازش و خیانت ریز یونیونیستها و پشت کردن آنها به انقلاب و انشعاباتی که در حزب کمونیست عراق رخ داده اشاره نمودیم. بنگ دنباله مقاله:

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها



نتوانستند از بنیادهای مکتوبات تنوع طبقه کارگر و حاکمان و در جهت کسب قدرت سیاسی استفاده کنند.

"حزب کمونیست عراق" (رویزیونیست)

همانطور که گفتیم از سال ۵۶ بعدگرایش رویزیونیستی در درون حزب کمونیست عراق تشدید شد و در سال ۶۴ به تاسیس رسمی سیاست اقتصادی رژیم ارتجاعی عارف از طرف رهبری

بطور خلاصه: جنبش کمونیستی عراق دچار انحرافات گوناگون و مهمتر از همه رویزیونیستی شد و مکتوبات پیروزی که در نتیجه شرایط عینی جامعه و اجباری مبارزه طبقه کارگر فراهم بود علیه غمخواران کاربها و ده سال تلاش پیگیرانه کمونیستها عملاً از دست رفت. هم‌اکنون از حزب کمونیست عراق - فرماندهی "مرکزی" یک رهبری اسمی مانده است که فردی بنام "ابراهیم علوی" خود را دبیر کل آن مینامد. وی در سوریه اقامت دارد. گروهی از اعضای انشعابی فرماندهی مرکزی نیز با انتشار نشریه‌ای بنام "وحد القاعده" یعنی وحدت اعضا و کارکنان حزب خود را بهمین نام می‌نامند. طی دوسه سال اخیر در میان اینان اختلافاتی که یکی از آنها بر سر قبول یا عدم قبول ترفند انتقالی به جهان است بروز کرده و موجب انشعابها و تمغیه‌هایی شده است. گروه دیگری هم هست که خود را "کمونیستهای انقلابی عراق" مینامند و نشریه‌ای بنام "الاماس" هر چند گاه منتشر میکند. این گروه‌ها بیشتر در خارج اند جنبش کمونیستی عراق در زیر ضربات شدید حکومتی بورژوازی که با شدیدترین شیوه‌های فاشیستی به سرکوب کمونیستها پرداخته اند

خیانت‌های رویزیونیستها نیز موجه بوده است. در اثر همین ضربات در داخل و خارج جنبش کمونیستی عراق در وضعیتی شدیداً ناپسند بر میسرید این جنبش در شرایطی که از بیگانه‌گسترده‌توده‌های بین کارگران و زحمتکشان و اقلیت‌های قومی (کردها) و مذهبی (شیعه) تحت ستم‌پایه داشت (برای مثال یکی از بیگانه‌های معتبر کمونیستها در نجف بود) در شرایطی که بورژوازی ملی شدیداً ضعیف و نیروهای سیاسی نماینده خرده بورژوازی نیز ضعیف بودند، و نیز در شرایطی که کمونیستها حتی در مواضع کلیدی اداری و ارتش ما حجب نفوذ بودند و در بسیاری از اتحادیه‌های منفی‌هز مونی خود را اعمال میکردند و در کارخانه‌ها، روستاها، شهرها، مدارس و دانشگاه‌ها حضور فعال داشتند و در کردستان نیز از پایگاه‌های مناسی برخوردار بودند، بدلیل حاکمیت رویزیونیسم و بورژوازیسم بزرگ‌ترین حزب

نداشته باشد" طبق توافق، حزب با اصلاح کمونیست‌ها داشت روزنامه می‌بویند داشته باشد. این روزنامه بنام "طریق الشعب" یعنی "راه مردم" منتشر می‌شد. فرق این روزنامه با روزنامه‌های دولتی این بود که در این روزنامه اخبار کشورهای "برادر" یعنی سوسال امپریالیسم شوروی و اقمارا می‌خواندی. اما همینجا این را انصاف بدهیم که آنها علیرغم آنهمه دلالتی که نشان داده بودند به پای حزب توده در جابجایی نیستند رژیم نمی‌رسیدند!

دبیرکل حزب رویزیونیست عراق "عزیز محمد" نامدار که البته از هم‌تای خود کیانوری خوش‌شانس‌تر است چون با لایحه توانسته است از دست‌آورد "آب‌زهره‌لین" را دریافت دارد و به بعضی از سمتها منحمده ریاست جمعیت طرح و همیستی در عراق تا نائل آید.

بعضی‌های عراق با دادن جین امتیازاتی به رویزیونیستها از ترویج کواهی حسن اخلاق گرفته، توانستند عراق را تا حد تبدیل زرادخانه

*** مابا کمونیستهای عراق که طبرغم فشار و سرکوب‌های فاشیستی رژیم حاکم از یکطرف و خیانت رویزیونیستها از طرف دیگر همچنان مصمانه در مناطق مختلف عراق بویژه در کردستان و بلاد خارج از عراق در راه‌های طبقه کارگر و بزرگ‌تکشان عراق مبارزه میکنند، از آنها که به انقلاب و لنینیسم وفادارند و با انحرافات رویزیونیستی در اشکال متعدد در مبارزات خستگی‌ناپذیر راه پیش می‌برند، در پیوندی عمیق بر سر می‌رویم.**

سلاحهای روسی ارتقا بخشند! و بمورت و بترسین "راه رشد غیر سرما به داری" بیرون آمدند!"
رویزیونیستهای عراقی عناصراً انقلابی حزب و کارگزارانی را که حاضر نشده بودند در آن را بنیادین در رژیم لودا دیدند و در نتیجه با زین‌های خود، در پلوم سال ۷۷ خود نتیجه گرفتند که صدام حسین با این همه مترقی شدن، امید کمونیست شدنش می‌رود! رویزیونیستها برای خوش آمدن رژیم کارگزارانی را ندانند که وقتی اختلاف بین بعث و حزب دموکرات کردستان بالا گرفت، حاضر شدند سلاح بدست گرفته علیه خلق کرد و بنفع بعث بجنکند.

اما این ماه عمل دیری نباشد. یعنی همان‌جا از چند سال احساس کردند که مازی "جبهه ملی و قومی مترقی" دیگر از مصرف افتاده و اوادامه فعالیت رویزیونیستها ضرورتی ندارد و ممکن است ضررهای هم‌داشته باشد (میزان عقیماندگی و ارتجاعی بودن را نگاه کنید که از رویزیونیست‌ها هم بیشتر بدالته تبعیت ندارد مگر همینجا چنین نیست؟! این است که بتدریج روزنامه حزب را با مواضعی روبرو کرده از انتشار آن جلوگیری نمودند. چندکنا بغروشی هم که حزب داشت یکی یکی درش را بستند "عزیز محمد" که

نصفه در صفحه ۱۶

انجام مید. پس از آنهمه سرکوبها، با کودتای بعث در سال ۶۸ و شعارهای بی‌طرفی، رویزیونیست‌های عراق که تشکیلات خود را "حزب کمونیست عراق - کمیته مرکزی" می‌نامند، بنا به ماهیت خودشان و توصیه "برادر بزرگتر" ماده سازش هر چه بیشتر شدند پنج سال از کارزار ۶۸ تا ۷۴ چانه زدند و سرانجام رژیم با اصلاح مترقی ملی و مابا میریالیست عراق "جبهه ملی و قومی مترقی" تشکیل داد. "جبهه‌های که برهبری حزب بعث و با مشارکت حزب کمونیست (رویزیونیست) حزب دموکرات کردستان (برهبری سارزانی) و سایرینستها بوجود آمد. رویزیونیستها خود را مانند حزب توده، حزب طبقه کارگر میداند دولتی بر اساس توافق با دولت و تقیمت "فعالیت‌علنی حق ندانندندین کارگران کارکنند! همچنین حق ندانندند در ارتش فعالیت نمایند، در ارتش که هرگز حزب بعث حق فعالیت سیاسی درون ارتش را در آنجا خود میداند. در سال ۷۸ قریباً ۱۴ نفریاً بیشتر از نظامیان عراقی را که با حزب ارتجاعی داشته اند به جوخه اعدام کردند و حزب در پاسخ به این اعتراض که جراسکوت کرده اید گفت: "می‌خواستند با حزب تماس بگیرند! ما از اول قبول کرده بودیم که ارتشی‌ها را بطه‌ای با ما

تجاوزت فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

اخبار جنگ

ورود اسلحه های آمریکائی

اوایل آبان ماه سه فروند هواپیماهای باری در فرودگاه مهرآباد به زمین می‌نشینند. نمایندگان سه هواپیما در فرودگاه مطرح میکنند که محموله خود را باید تحویل نمایندگان وزارتت بشوند. پاسداران بدلیل اختلافات خود با ارتش با این امر مخالفت میکنند و به مقامات دولتی اطلاع می‌دهند. سپس بهشتی به محل آمده و میگوید: "اینها اسلحه است و باید هر چه زود تر تحویل ارتش بشود." پس از این دستور تخلیه هواپیماها شروع میشود. آنچه مهم است اینکه این هواپیماها از یکی از فرودگاههای آلمان آمده و روی جعبه های محموله شان نوشته شده بود: بزبان خودمان ساخت آمریکا.

بی سبب نیست که رژیم جمهوری اسلامی بر تحویل گروگانهای جاسوسان امریکایی و زیرا او برای پیشبرد جنگ ارتجائی و سرکوب انقلاب به اسلحه های آمریکائی محتاج است.

جاسوسی حزب توده برای سپاه پاسداران

رویزونیستها نوکرو جاسوس بورژوازی میباشند. از زمان شروع جنگ ایران و عراق همه رویزونیست ها و از آن جمله حزب خائن توده پیوسته برای دستگیری و سرکوب انقلابیون جویره کونیستها ی پیگیره ارتجاع حاکم کمک کرده اند. نمونه زیر یکی از موارد جاسوسی تودهای هاست: چند روز پیش دروازه های شهرآبادان بسته بود و تنها راه خروجی از شهر برای توده های مردم و خلاص شدن از ترکشهای نمباره راه آبسی در انتهای شهر بود. برای راهنمایی مردم که در راهی خروج بودند، هواداران سازمان پیکار روی کاغذ بزرگی نقشه خروج از شهر را کشید و در یکی از ناحیه های آبادان به دیوار میچسباندند. در این هنگام چند لهن ویک "توده ای" در محل بودند فرد لهن گفت: "اینها جاسوس هراقتند." توده ای خائن گفت: "ستون پنجم که میگویند همین است و شاخ و دم ندارد." در این موقع رفیق هواداره افشاگری پرداخت و فرد "توده ای" بلافاصله از آن محل رفته و چند دقیقه بعد سر

وگله کمته چی ها پیدا شد. آنها نقشه راکنده وگتند "کسی راکه این نقشه را کشیده نشان دهد د تا تکه تکه اش کنم." "توده ای" خائن کار خودش را کرد و مانند همیشه خیانتش به انقلاب و نوکری اش به بورژوازی رابه اثبات رساند.

اعتصاب فرماندهان برای بنی صدر

طت عدم حرکت این دستون اعتصاب فرماندهان آن بوده است. پس از برکناری بنی صدر از سمت ریاست کل قوا ریاست شورای عالی دفاع، فرماندهان ارتش به حمایت از او اعتصاب میکنند. پس از آنکه بنی صدر درباره درست خود ابقا میشود، فرماندهان از اعتصاب خود دست میکشند و به ستونهاد ستور حرکت میدهند. این خبر در واقع از یکسو بهمان تضاد ارتش و فرماندهان مزدور و حزب و پاسداران و از سوی دیگر نزدیکی ارتش به لبرالها میباشد. در واقع اگرچه در ابتدای جنگ تضاد های درون هیات حاکمه بظاهرتخفیف پیدا کرد، اما ادامه جنگ بیش از پیش تضادها را تشدید نموده و رژیم رابه استیصال بهشتی می کشاند.

۵۹/۸/۴ - دستون زرهی که از طریق ماهشهر طرم آبادان بودند پس از دوروز تاخیر درحوالی ماهشهر به سمت آبادان حرکت کردند.



کشود، راهی که در نتیجه خیانت رویزونیستها از سنگلاخ و لخته های خون انباشته است.

ما با کونیستها ی عراق که علیرغم فشار و سرکوب های فاشیستی رژیم حاکم از یکطرف و خیانت رویزونیستها از طرف دیگر همچنان مصممانه در مناطق مختلف عراق بویژه در کردستان و بادراخارج از عراق در راه رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان عراق مبارزه می کنند، از آنها که به انقلاب و لنینیسم وفا دارند و با انحرافات رویزونیستی در اشکال متعدد مبارزه ای خستگی ناپذیرا به پیش می برند، در پیوندی عمیق برسمی بریم. سرنوشت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در عراق و ایران بهم پیوسته است. همبستگی بین کونیستها ی ایران و عراق جزئی از انترناسیونالیسم پرولتری است.

بقیه از صفحه ۱۵ نگاهی...

به مسکویا اروپای شرقی رفته بود در همانجا ماند دفاعی از یکدیگر تعظیم شد و اعضای حزب (که بسیاری از آنها تا آکا هوفریب خوده اند) "هرکس از گوشه ای فرار کنند!" اما رویزونیستها ی عراق ظاهرا هنوز حزبشان منحل نیست، چون هنوز عراق به روابط با شوروی نیا زداد و شوروی هم به دوست "مترقی و فدا مبریا لیست اش" "دما حسین محتاج است. آنچه گفتیم تصویری موجز از تراژدی حزب کونیست عراق بود که مسلمان تراژدی نخواهد ماند. طبقه کارگر عراق و نیروهای انقلابی و کونیست نما بنده آن با درس گرفتن از تجارب غنی و عظیم گذشته راه را بسوی پیروزی خواهند

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

بقیه از صفحه ۲۶

در تشریح پیکار چه چیزهایی نوشته شده که آنها را چنین به هراس انداخته است؟

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز کابلان! این روزها، رژیم جمهوری اسلامی و ارکانهای سرکوبگرش مانند سیاه پاداران، ستادیسج مستضعفین و شما همبرما به داران و مفتخواران، موج وسیعی از تبلیغات دروغین را بر علیه سازمان پیکار و تشریفات آن بخصوص تشریحی پیکار به راه انداخته اند.

رژیم جمهوری اسلامی و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، در روزی نامه‌ها و مقالات حسود سازمان پیکار را دشمن طبقه کارگر و مردم ایران، عامل پیکار نهی... قلمداد میکنند (همان باوه - هائی که رژیم ما مزدور همیشه بر علیه کمونیستها میگفت! اما ما بنده این حزب ارتجاعی گفت: دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان و عامل پیکار نهی حزب ارتجاعی شماست که مزدور و جاسوسی مثل آیت انگلیسی مغزمنگش است. دشمن طبقه کارگر حزب شماست که پهنی ها و فرسنا نی های مرتجع و سرما به دار در آستان قرار دارند. دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان رژیم جمهوری اسلامی است که شما نش تا مرفق به خون خلس کرد، ترکمن، عرب و کارگران آغشته است، رژیمی که جاسوسی ما نندا میرا منتظا ما، مدنی ها را انقلابی میخواستند و بر مسند قدرت می نشاند.

رقای سازمانی ما کما نی میباشند که در دوران خوسا روسیا رژیم جنا پیکار و آدمکش شاه، در همان زمانی که مفتخواران در قدرت کنونی، در لاک خود فرو رفته بودند، به مبارزه انقلابی با رژیم مزدور پهلوی متغول بودند و شهدای جانبازی چون صدیقه رضائی، محبوسه - متحدین، سرور آلابوش، حسن آلابوش، محمدرضا - آخوندی و... همسگران رفتای ما بوده اند. آری دشمنان پیکار، دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان یعنی سرما به داران و کلیه مفتخوارانی میباشند که زندگی انگلی آنها از کمیدن خون کارگران و زحمتکشان تا مین میشود. در تشریفات پیکار، صحت ارتجوی کارگران

و زحمتکشان است که سوسلدرما به داران و دولت نمائنده آنها رژیم جمهوری اسلامی حیا و لغارت میشود.

در تشریفات پیکار، حجابات جمهوری اسلامی در کشا رزن و مردود کودک خلق کرد، خلق ترکمن، سرکوب کارگران پیکار و... سیرحما نه افتشیا میشود.

تشریح پیکار، جنگ ایران و عراق را حکمی غیرعا دلانده، جنگی که بر علیه منافع زحمتکشان و کارگران ایران و عراقی است و جز کراسی، سکاری، تحطی و فخر و پورانی بدنیا ل ننسار دارد اعلام آن را محکوم میکند.

تشریح پیکار این جنگ را جنگ سرما به داران ایران و عراقی میدانند، جنگی که فرزندندان کارگران و زحمتکشان ایران و عراقی قربانی حرمی و آذوقه است دم توب سرما به داران میشوند، آری دشمنان پیکار، چه کاسنی حزرما به - داران و رژیم نمائنده آنها جمهوری اسلامی میباشند!

آری آنها از ترس آکا هی نوده ها، از ترس اینکه جنا با نشان هر چه پیشتر در نزد توده ها افشا و بر ملا کرد، مجبورند از یک طرف جلسوی فروش پیکار را بگیرند و از طرف دیگر تبلیغات بی شرمانی خود، به خیال باطل خویش مردم را از خواندن آن منع کنند.

اما خورشید را با کل نمی توان اندود. آری نوشته های پیکار حقیقت است، نوشته های پیکار درد دل کارگران و زحمتکشان است، نوشته های پیکار درد دل کپرنشینان خوزستان دهقانان کردستان و ترکمن صحرا، کارگران کارخانه ها و مردم زحمتکشان است و آن را نمیتوان با تبلیغات مفتوح اینجانی از چشم مردم انداخت!

هر چه رسوا تریا تبلیغات دروغین رژیم جمهوری اسلامی!

هر چه افرو تریا آکا هی و خویشیاری کارگران و خلق فیرمان ایران! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کیلان ۱۳۵۹/۸/۶

بقیه از صفحه ۲

سر مقاله...

عادی بین ایران و آمریکا به فضا ریشتری روی خواهد آورد. بخصوص در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقاتی خود از موضع ضعف با ما آمریکا ت فرقراری مناسبات امتدادی و سیاسی امیرا لیمام آمریکا را دست آورد، دولت ریکان درسی آن خواهد بود اما از موضع قدرت امتیازات سستری کس نماید، آنچه تا شرا هیت است است اینکه اگر چه رژیم جمهوری اسلامی از نقطه نظیر طرحی خواهان بیروزی کار بر بود، اما از آنجا کد مناسبات با امیرا لیمام آمریکا نید - ساز دارد، همچنان سیاست خاشا نه سازش با آمریکا را تعجیب خواهد نمود.

ملاحظات کوتاه

فقط يك معيار!

در ساخت ماهب رژیم کسوتی بسیاری از توده - ها دچار توهام اندو سخی از نیروها دچار تحریف ا کره یح معیاری برای شناخت درست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی وجود داشت، تنها نمونه زیرکافی بوده که معلوم شود این رژیم بر حسب ادعایش "فدا میرا لیست" و "انقلابی" است یا بر عکس؟

آمریکا و رژیمهای ارتجاعی مثل رژیم سابق ایران کمونیستها و نیروهای انقلابی را دشمن شماره ۱ خود میدانستند و هرگز از سرکوب آنها غافل نمی شدند. رژیم جمهوری اسلامی هم همینطور، اینکه رژیم حتی در بدترین شرایطی که گیر میکند از حمله و اتهام به کمونیستها و نیروهای انقلابی و تلاش برای سرکوب آنان غفلت نمی کند، اینکه امروز هم مانند گذشته کمونیستها و معاهدین خلقی به زندان میافتنند و در سیدادگاه - های در بسته محاکمه میشوند (نمونه اخیرش اعدا مرفقا دانشیار، سیک انداموا شرقی بدست خلخالی جلا در رژیم عراقی افتاد) به دخواه اعدا م سیرده میشوند، اینکه تشریفات کمونیستها و معاهدین ممنوع است و توزیع کنندگان تحت پیگرد قرار می گیرند.

آری همین رفتار با انقلابیون را که دشمنان سازشنا پذیرا میرا لیمام اندا کمر معیار و ملاک بگیریم به نتیجه ای جز ارتجاعی بودن و فدا انقلابی بودن این رژیم نخواهیم رسید.

از فلسفی، واعظ دربار شاه چه خبر؟

ما تا کنون چند بار چهره ارتجاعی فلسفی واعظ معروف دربار و جادوفا کن کودتای آمریکا شی ۲۸ مرداد را افشا کرده و پیکار هم عکس او را در کناره سیدادگاه اهدی چاپ کردیم و مواضع ضد کمونیستی او را که از "برکت رژیم جمهوری اسلامی فرصت ظهور بر ما سرورادیسو و تلویزیون یافته است افشا نمودیم. چهار رنیه ۱۴ آبان ماه چشمان به "حمال" ایشان در گذار آیت الله خمینی روشن شود دریا فتمیم که خاشی ما نند فلسفی که در ضدیت با نیروهای مترقی سابق متمدنوسیا ه دارد، در جریان یک پیوند طبقاتی در کناره آیت الله خمینی نشسته است و آیت الله با لحنی "صمیمانه و خودمانی" میگوید: "ما با هم قیام کردیم که اسلام را زنده کنیم و انشاء الله به ما بر جا ها هم در کنیم. ما همه برادریا هم هستیم، دوست با هم هستیم و میدوارم همه ما دوش بدوش هم هر کس هر مقداری که ستواند

بقیه از صفحه ۱۶

مصاحبه...

احکام دادگاههای انقلاب اسلامی موردنا سسد کمال آیت الله هسند که وزیرای هودا، روسای برجسته ما واک و حتی کودتا چیان را عومده و یا به چند سال زندان محکوم میگند، ولسی کمونیستها و انقلابیون را به حرم دفاع آزارمان کمونیسیم و منافع زحمتکشان در دادگاه های در بسته و حتی دادگاههای صحرانی حسدنفه ای محکوم به اعدا میکنند! (۱)

آری، از نظر آیت الله و فتری که و آسپا را نما بندگی میکنند و بیشتر از آن لیسرالیاناری بقیه در صفحه ۱۹ (۱) - با ورقی از پیکار: مراجعه کنید به حکونکی محاکمه رفقا منوچهر نیک اندامو محمد شرقی توسط خلخالی جلا (مترجم در همین شماره)

بقیه از صفحه ۲۶ جنگ

حادثه‌هایی این تضادها را با بیستی در ارتباط با ۲ مسئله منحص دانست .

۱- مسئله انتخاب وزرای باقیمانده و بخصوص وزیر امور خارجه، بنی صدر تا کنون از تصویب وزرای معرفی شده از سوی حزب جمهوری سر باز زده است. این مسئله بخصوص در مورد وزارت خارجه تا اوج اهمیت است. حزب جمهوری خواهان تعیین سیاست خارجی است و اینهمه از آن مواردی است که اختلاف با رزی میسران لیبیرا لها و حزب جمهوری وجود دارد.

۲- اختلاف بر سر رنشن ارتش و نیز شکست در جنگ را بگردن یکدیگر انداختن.

بنی صدر و حزب جمهوری هر یک میکوشند، دلیل شکستهای جنگ را بگردن یکدیگر بیاورند تا کید حزب رنجبران فرماندهان ارتش و تلاش برای ایجاد ارتش توحیدی (نطق معا دیخواه)

بقیه از صفحه ۲۶ همبستگی...

مهم تبلیغاتی است. در روزهای اخیر درگیری بر سر تمام حزب را دیووتلوویزیون بین دو جناح "حزبی" و بنی صدر آنچنان بالا گرفته است که کار را به "فشت تیرکنی" نیز کشانده است.

به تاریخ ۲۴ مهر، از طرف خرازی رئیس تبلیغات شورای دفاع، دو نفر از مدیران حزبی برگزیده توسط مبلغی اسلامی قاسم قاسم را دیووتلوویزیون (که از جناح بنی صدر است) به مسئولیتها در "واحد تبلیغات تلویزیونی" گمارده میشوند. در تاریخ ۳۰ مهر، نامه‌ای به امضای هاشمی رفسنجانی و رجایی (از طرف شورای عالی دفاع) که در مجلس را دارد از مبلغی اسلامی میخواهد که کلیه تمهیدات در زمینه اخراج و استخدام پس از اول مهر مبلغی اعلام شود. بنی صدر نیز طی نامه‌ای در پاسخ به مبلغی اسلامی اطلاع میدهد که نامه مذکور از طرف شورای عالی دفاع و با تأیید رئیس شورای عالی است. در سوم آبانماه، گلکمانی یکی از مدیران انتصابی از سوی مبلغی اسلامی، توسط عوامل حزب جمهوری اسلامی کتان کتان از محل کارش به طرف در خروجی برده شده و اخراج میشود و در گریه‌های زار در محل را دیووتلوویزیون سبب میگردد. در تاریخ ۷ آبانماه، با سداران پستفرد جلوی در ورودی تلویزیون، از ورود مبلغی و دو مدیران تصدیبی اش به محوطه را دیو و تلویزیون جلوگیری می نمایند و در اثر مقاومت آنها ن چند تیر هوشی شلیک میکنند. با صدای تیراندازی، کارمندان به پایین میریزند که با مدافعان آنها سرانجام مبلغی و دو مدیر مذکور موفق میشوند و ردا سخنان شونده در این جریان عکس العمل های مختلفی از طرف کارکنان صورت میگیرد. اغلب آنها ن جانب لیبیرا لها را میگیرند. افراد انجمن اسلامی و طرفداران حزب سعی میکنند قضیه را با بالا نگیرد و عواما سلطنت طلب و بختیاری نیز موقعیتی برای تبلیغ اوضاع گذشته می یابند. از طرف کارکنان

برای اینست که بکوشند این اهرم سیاسی قدرت را نیز از دست لیبیرا لها خارج سازند. لیبیرا لها که تا کنون این ابزار مهم در دستش با قسی مانده است، میکوشند آنرا همچنان برای خود حفظ کنند و دلیل شکست ها را ندانم کارها و عدم تخصص جناح مقابل "خلوه گرسا زند. تضاد در این قسمت آنچنان حادث است که ارتشش از آموزش سپاه پاسداران در مورد سلاحهای سنگین سر باز زده است. تا همچنان نقش اساسی را در جنگ "کلاسیک" عمیرا دلانه کنونی بازی کند. بهر صورت در مقابل تلاش بنی صدر برای تحکیم قدرت بخاطر جنگ کنونی و احتیاج شدید رژیم به ارتش، حزب جمهوری اسلامی نیز دست به تهاجم زده و به تضعیف جناح مقابل پرداخته است.

(۱) - مراجعه کنید به مطلب "جنگ قدرت بر سر تلویزیون بالا میگردد" در همین شماره

متمم و مبارزین تشبیهات هر دو جناح بر سر اعمال حاکمیت بر سیاست تبلیغاتی کشور دستگاره را دیووتلوویزیون که در زمینه سازی افکار عمومی نقش اساسی دارد، افشا گریه‌های صورت میگیرد. در مقابل این وضع بنی صدر هم عکس العمل نشان داده و حاضریه ممانعانه با تلویزیون نمیشود. شب جمعه گذشته، شبکه دوم تلویزیون با پخش مناظره‌ای با "قطب زاده" و "مبلغی اسلامی" حول مسائل مربوط به را دیووتلوویزیون بر این دعوی بین جناحها سنگ تمام میگذازد. روز جمعه صبح صادق قطب زاده به حکم دسر ای مرکز دستگیر و به زندان اوین منتقل شده و مبلغی اسلامی نیز تحت تعقیب قرار میگیرد. همزمان با این وقایع "موسوی اردبیلی" دادستان کل دو تحت - الاسلام "بنا مهی" علی اکبر محنتی و "عبدالله - نوری" را به سرپرستی صدا و سیما و شخصی بنام دکتر ندیمی را به سرپرستی شبکه دوم تلویزیون انتصاب میکند.

آنچه که از قرائین سر میاید این است که مجموعه این تحولات تا کنون به نفع حزب جمهوری اسلامی تمام نموده است. با کترلی که حزب ارتجاعی و "فراگیر" جمهوری اسلامی بر مجلس و دیگر ارگانهای مملکتی دارد، با تصویب "لابحه" مربوط به تلویزیون، و اداره تلویزیون به کلی از دست جناح بنی صدر خارج خواهد شد و در گمیری دو جناح شدت بیشتری خواهد یافت. ارتجاع نیک میدانند که برای تخدیر افکار رتوده ها باید نفس دستگا ههای تبلیغاتی را بدست گرفت و اگر نتوانستند با "میثاق وحدت" این شریکان تبلیغاتی را خفه کنند، با یکی از دست یازیدن به ۳ و پاسدار روزندا نیز بر علیه همدیگر ندارند!



ملاحظات کوتاه

منی که یک پیر مرد ضعیف هست صحبت بکنم برای شما آقای فلسفی هم که پیر مرد قوی انشاء الله هستند ایشان هم برای شما صحبت بکنند...

دست بدامن فتود الها علیه چی!

از لحظه‌ای که معلوم شد ریگان به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده، دستگا ههای تبلیغاتی رژیم چنان از عدم انتخاب کارتر سخن میگویند که گوشتی کارتر را رژیم ایران "از کار برکنار" کرده و متلا فرشته‌ای را بجای "شیطان" نشانداده اند. سیاست دروغ و فریب نسه اصول و پرنسیپ می شما بدون حفظه دارد. یکی از این آقایان سراپا مکتبی و اسلامی و مبارز با آمریکا جواب میدهد که آخر چرا قضیه با دگرده گروگانها را با چنین عجله‌ای سرهم بندی کردند و مگر نه برای این بود که بتوانند پیش از انتخاب کارتر آمریکا با گرفتن امتیازی هر چند جزئی، آبروشی برای خود دست و پا کنند؟ مگر یکبار در روزنا ماها (حتی جمهوری اسلامی) سخن از عقل و منطق و خودداری از جبروری مطرح نشد؟ و مگر مجلس شورای اسلامی و کلهای سرسبد جمهوری اسلامی (مثل شیخ محمد منتظری) کارتر را بر ریگان ترجیح ندادند و مگر همین فردا خیر با صهیونیست خواندن ریگان، کارگر را نظیر نکرد؟ و آیا رژیم ایران با موضعگیری اش در مقابل گروگانها خدمتی به کارتر ننمود و در واقع به او رای نداد؟ آقایان چرا قضیه "ک زرد برادر شغال" است؟ آکه تازه فهمیده اند عموما پیش از انتخابات فرا موش کرده بودند؟ سیاست ضد امیربالیستی رژیم "به گریه مرتضی علی" میماند که هر مملکتی برسد با ریحها دست و پای "ضد امیربالیستی" فرود میاید!

انتخاب نشدن کارتر و سیاست "گره مرتضی علی"

یادمان هست که می گفتند در "مجلس شورای اسلامی" نمایندگان و اجمعی "مردم" جمع شده اند اگر هنوز با و بر کرده اید از آقای "علم الهدای" نماینده اردبیل بشنوید که روز سه شنبه ۲۹ مهر در مجلس با اراحتی ابراز کرده است که چرا فتودالها را از دولت و جمهوری اسلامی ربحانده - اید و اضا فر کرده است که حضرت ایشان بعضی از بقیه در صفحه ۱۹

دادگاههای اداری چماق سرکوب کارکنان مبارز

طبق این دستورا زاین بین "دادگاههای اداری" برای رسیدگی به "تخلّف" معلمان فعال تـسر خواهند شد. با افشای کمیته‌های "پاکسازی" و عملکردهای ارتجاعی آنان "نخست وزیرمکتبی" صورت آبرومندان "تری به سرکوب معلمان مبارزمیدهد، ولی این چماقهای سرکوب کوچک - ترین تردیدی در ادا مراه معلمان انقلابی و آگاه بوجود نخواهد آورد.

پس از اخراج هزاران معلم متعهد و مبارز و اعتراض گسترده کارکنان وزارت آموزش و پرورش ارتجاع شیوه خود را برای سرکوب معلمان آگاه و متعهد تغییر میدهد. محمدعلی رجایی مرتجع طی بخشنامه محرمانه‌ای در اول آبان ماه (به شماره ۲۰۹۲۲) از مسئولین خواسته که "ممنوعیت تدریس" و "پاکسازی" و اخراج معلمان را بدون مشورت با "شگرد مخفی" متوقف سازند.

غارت از آن سرمایه داران، شلاق نصیب زحمتکشان

بوجود آورده اندرفع نمایند. روستا ثیبیان زحمتکش دست به مبارزه زدند و فرماندارا که به منظره رفته بود گروگان میگيرند. "کمیته گیلان" سازمان زمین افشای سیاستهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در مورد زحمتکشان و جنگ تحمیلی که عواقب آن فقط متوجه زحمتکشان میشود از مبارزات زحمتکشان گوراب زرمیخ پشتیبانی کرده و محتکران واقعی را که سرما به داران مورد پشتیبانی رژیم هستند افشا میکند.

در مهرماه جاری "گروه ضربت" صومعه سرا به روستاهای "گوراب زرمیخ" یورش برده و با زیرورو کردن خانه‌های روستایان زحمتکش، هت و نیست آنها را بیرون میکشند و آنان را با جرم "احتکار" شلاق میزنند. به این جرم که جای یک یا دو کیسه سیمان در خانه‌شان بوده است. روستایان دست بردارمان کلیه مقامات محلی از امام جمعه تا فرماندار میشوند، ولی طبیعی است که در قاموس ارتجاع نیست که بتواند بخواهد مشکلاتی را که خود برای زحمتکشان

ارتجاع چهره عوض میکند

۲۲ مهرماه در سالگرد کشتار صیادان و مردم زحمتکش انزلی بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، رژیم برای فریب توده‌ها با بسیج گروهی از دانش آموزان آگاه و برای شهیدان به اصطلاح مراسم یادبود ترتیب داد و ادا شک تماشا ریخت. رژیم جمهوری اسلامی گمان میکند با این عوامفریبی‌ها میتواند توده‌ها را فریب دهد و ما هیت ارتجاعی خود را از آنان پنهان دارد. پیرزنی که شا هد "مراسم بود میگفت: "همین‌ها، فرزندان ما را پارسال کشتند و زحمتکشی میگفت: "پارسال اینها زحمتکشان را در انزلی کشتند و امسال در جنگ، ولی بالاخره نوبت ما هم میرسد." آری نوبت زحمتکشان هم خواهد رسید که بحساب جنایات و خباثت‌های بر ما به داران و مرتجعین برسند. (تخلص از اعلامیه هواداران سازمان در انزلی)

رژیم، بواسطه افشای گریه‌های نیروهای کمونیست و انقلابی از چشم توده‌ها پنهان نمانده و نخواهد ماند. این اقدامات توطئه‌گرانه کنونی رژیم با ردیگرشان میدهد که برخلاف نظر مجاهدین انخا ذهرگونه سیاست سازشکارانه و مماشات - جویانه در مقابل رژیم، بهیچوجه تشدید حملات ارتجاع حاکم را منتفی نمیسازد. افشا و طسرد سیاستهای سازشکارانه و مماشات جویانه و وظیفه تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی از جمله توده‌های انقلابی هوادار مجاهدین است. مجاهدین خلق میبایست با درپیش گرفتن خط - مشی انقلابی و سازشنا پذیر به مقابله با توطئه - های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی برخیزند.

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی ضمن محکوم ساختن توطئه‌ها و عوامفریبیهای فرصت طلبانه رژیم جمهوری اسلامی از محاکمه سعادت، خواهان آزادی فوری مجاهد محمدرضا سعادت هستیم.

بقیه از صفحه ۲۶ محاکمه...

ارتجاع حاکم طی دوسال حاکمیت، بنا به شیوه رایج خود، همواره در پی فرصت مناسب جهت سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی بوده است. لشکرکشی مجدد به کردستان و کشتار در دانشگاهها همزمان با مجرای طیس، کشتار کارگران و کارکنان در ماهشهر و دورود... و محاکمه و اعدام رفیق تقی - شهرام همزمان با کشف کودتای نظامی از جمله شکردهای عوامفریبانه رژیم در سرکوب انقلاب بودند. اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی میکوشد با استفاده از موقعیتی که جنگ با عراق در جامعه ما بوجود آورده، حملات خود را به نیروهای انقلابی و کمونیستها تشدید کند. کشتار در مهاباد و دیگر شهرهای کردستان، اعدام به نغز از رفقای پیکارگرما در خوزستان، دستگیری و شکنجه انقلابیون در شهرهای مختلف ایران، همه از تعرض گسترده رژیم به انقلاب حکایت میکنند. محاکمه سعادت بعد از یکسال و اندی، آنهم بدنیال اعلام ممنوعیت کامل نشریات سازمان مجاهدین، گام دیگری در جهت تشدید خفقان و ایجاد جو خفقان و سرکوب علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

آزاد ساختن گروگانها از جمله اقداماتی است که رژیم تحت الشعاع جنگ ایران و عراق بدنیال اجرای آن است. رژیم اینکار را به راحتی نمیتواند انجام دهد، مگر آنکه از افشای گریه‌های نیروهای انقلابی و بسیج کمونیستها جلوگیری نماید. ممنوعیت نشریات سازمان مجاهدین خلق از طرف رژیم نیز در جهت خلع سلاح تبلیغاتی این سازمان و جلوگیری از افشای گریه‌های آن در مورد آزاد ساختن گروگانها و محاکمه سعادت صورت میگيرد.

ما در مقابل حملات ارتجاع حاکم بنا به وظایف انقلابی و کمونیستی خود از مجاهدین خلق دفاع میکنیم و دفاع ما از سازمان مجاهدین هرگز به معنای ناکیدتسای این سازمان بسای روسها تحت عنوان ایجاد مناسبات بین المللی نیست. ما با این دیدگاه انحرافی مجاهدین که سوسیال امپریالیسم روس را "دوست خلقهای ایران آرزیایی میکند، مرز بندی قاطعی داریم. اما آنچه در این میان مهم است استفاده عوامفریبانه رژیم جمهوری از این مسئله برای سرکوب انقلاب و لجن پراکنی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

تلاش رژیم برای تخلیّه ما هیت انقلابی نیروهای انقلابی، تیری است که به سنگ خواهد خورد. چه رژیم بعثت نیا ز مبرم به اسلحه‌های آمریکا شای برای استفاده در جنگ ارتجاعی کنونی و همچنین بعثت تشدید بحران اقتصادی ناشی از جنگ و شرایط قبل از جنگ، موجودیت خود را در خطر دیده و با سرکوب نیروهای انقلابی که ناشی از کینه طبقاتی اوست میخواهد بر ا حتی گروگانها را داساخته و با انکاه به کمکهای مالی و تدخاتی امپریالیسم آمریکا خود را از بحران کنونی نجات دهد. اما این سیاستهای

بقیه از صفحه ۱۸ ملاحظات...

فئودالها را میشناسد که میتواند ۲ هزار نفر جمع کنند و مسلح نما بند تا آنها علیه کمونیستها بجنگند! (به انقلاب اسلامی مورخه ۳۰ مهر رجوع کنید) آیا معلوم شده این آقا بان نه نما بنده زحمتکشان بلکه نما بنده ملاکین، سرما به داران و دیگر مرتجعین هستند؟ آیا معلوم شده کمونیستها در کدام صفت قرار دارند؟

بقیه از صفحه ۱۷ مصاحبه...

به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم شاه و حشود نداشته و اعتقاد به آن هم ضرورتی ندارد، ولی در برابر نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم با بد قاطعانه و مسلحانه ایستادگی نمود. هم اینجا و هم آنجا قانسون مبارزه طبقاتی عمل کرده است، آنجا مبارزه مسالمت آمیز در برابر رژیم شاه و اینجا با گلوله در برابر نیروهای انقلابی و زحمتکشان!

ادا مه دارد.

بقیه از صفحه ۲۶ شرایط...

راه پشتیبانی کرده با شیم. مجلس شورا میخواست
امپریالیسم را مانند گریه عا ندیده توده ها معرفی
کند و قول و قرار امپریالیسم را بعنوان بیروزی
خود به تما ر آورد.

بهمین خاطر هم هست که دیگر سخن از ناسود
امپریالیسم، محاکمه امپریالیسم، بیزانسود
آوردن امپریالیسم نیست. فقط جمهوری اسلامی
عاجزانه از امپریالیسم آن قولی را طلب میکند
کده ها سال است، امپریالیسم آنرا داده و هرگز
هم اجرا نکرده است. این قول، آنست که از تیسر
درنده جنگل قول بگیریم که ندرد! امپریالیسم
بدون تحت سلطه در آوردن خلقهای دیگر نمی
تواند امپریالیسم باشد.

قول و قرارهای دوم سوم هم که متعسی از
گروگان تکبری بود، امپریالیسم آمریکا در مقابل
جمهوری اسلامی، متنا سلا ۱۴ ملیارد دلار
موجود در بانکهای امپریالیسم (که رژیم بسیار
انقلابی ایران!! در دهها سال از قیام) هم -
چنان آنها را برای استفاده امپریالیسم در
آنجا باقی گذاشته بود. را گروگان گرفته و به
تحریم اقتصادی نیز میادرت ورزیده بود. طبیعا
ما ده دو سوم سونته تنها بیروزی برای امپریالیسم
آمریکا نیست، بلکه ما به رسوائی بیشتر رژیم
جمهوری اسلامی است. (در حقیقت در ماده دوم
سوم جمهوری اسلامی میخواستند و باید مالسی و
اقتصادی را به پیش از ۱۳ آبان ۵۸ برگرداند)
در مورد آخرین ماده، نیز رسوائی رژیم عیسایان
است. آنها در حالیکه با قرار دادهای اختفادی
سیاسی و نظامی علی قیل از گروگان تکبری و
غیرعلنی پس از گروگان تکبری ملیاردها دلار
از غارت زحمتکشان ایران را به حساب امپریالیسم
ربخته و اکنون نیز از امپریالیسم عاجزانه
درخواست میکنند به تحریم اقتصادی پایان دهد
تا بازاری سیستم سرمایه داری وابسته هر چه
کا ملتر شود، میگویند دعوا بر سر اموال شاه را
مبارزه قطعی با امپریالیسم و ناسود امپریالیسم
جا بزنند و ناسود در آنجا هم دستشان را رومش شود.
ما ده چهارم چنین است:

"باز پس دادن اموال شاه معدوم با برسمیت
شناختن و ناسودانستن اقدام درست ایران در
اعمال حاکمیت خود یعنی بر ممال شاه
معدوم و..." (میران ۱۲ آبان)
این "پیا" کا ررا خراب کرده است! حتی
در این تنها برگ "برنده" رژیم جمهوری اسلامی
نیز درم غروس عیان میشود. کافی است
امپریالیسم اقدام رژیم جمهوری اسلامی را در
مورد "حاکمیت خود" به رسمیت بشناسد! امپریالیسم
آمریکا در فریبنا مه های بین المللی که سوم
به ممال رادهای دیپلماتیک است، همواره اعمال
حاکمیت همه کشورها را برسمیت شناخته است،
بجز مواردی که این اعمال حاکمیت با قوانین

کشور دیگری در تضاد افتد کا رتر حنا بتکا ر در این
مورد گفته بود که طرح دعوی جمهوری اسلامی
ترا بین مورد برسمیت شناخته و برای اثبات
حقانیت آن بایستی دادگاههای آمریکا، نظر بدهند.

بلاوه رژیم جمهوری اسلامی، به نوزیونا نه
و فریبکارانه ای از ادعاهای پیشین خود مینوی
بتریا زگرداندن جوابیهای آواکس از ترستان،
مجا کده جا بسوا ن، عذر خواهی و توبه امپریالیسم،
اختصاصی به ناسود و ناسود تلویزیون آمریکا برای
تسلیمات رژیم... دست برداشته است. بخاطر
آوردن، جا روجانهای همه جناحهای رژیم را
مبستی بر در هم شکستن امپریالیسم آمریکا،
واخفا که امپریالیسم در هم شکست!

والبته و فاقا حت ناسود رژیم بر برای
پوشاندن بندوبست خود با امپریالیسم و پس
گرفتن همه تسلیمات پیشین خود، از فریب توده
- ها روی بر نمی گرداند. آیت الله خمینی برای
اینکه توده ها نفهمند، رژیم پیکال آنها را فریب
داده و دوغ را دوشاب معرفی کرده بود! دعوا
شکند که: توسط جمهوری اسلامی آن بت بزرگی
که برای ملتها تراشیده بودند، شکسته شد. نقل
بمعنی از (میران ۱۳ آبان)

آن بت بزرگ را خلقهای قهرمان و پستان،
کا مپوج، کره، لائوس و... با نبرد مسلحانه شان
تحت رهبری کمونیستها در هم شکستند، آن بت
بزرگ را خلقهای قهرمان ما با نیا خود مسورد
ضربات سنگینی فرار دادند، اما همین هیات
حا کمه مانع از ناسود آن گردید. آری کمونیست
- های ایران و جهان نالهات که این "بیزر
کا فدی" را به توده ها معرفی کرده اند. گروگان
گرفتن ۵۲ جاسوس برای فریب مردم و سپس نندو
بست با امپریالیسم و آزادی جاسوسها، این بت
را نمی شکند. نرسد قاطع طبقه کارگر و بیگسر
زحمتکش برای محوسرما به داری وابسته و
رژیم حامی آن، این بت را در هم شکند. فریب -
کاری تا بجا است که گدائی اسلحه از
امپریالیسم و به هر قرار دادهای اسارتبار آن
تن دادن، روابط اقتصادی و بندبش حتما
سیاسی را توسعه دادن و بخاطر آن جاسوسها را آزاد کردن،
در فرهنگ جمهوری اسلامی شکستن بت تلقی میشود!
حال که تمامی خواستهای حقیر رژیم از
امپریالیسم، نشاندنده واج مبارزه با صلا ح
فدا امپریالیستی اوست، توده ها خواهند گفت:
ما ببرد با امپریالیسم و ناسود بودی هر گونه سلطه
سیاسی و اقتصادی را میشناسیم، ولی شما می -
خواهید ناسود برای رفع تحریم اقتصادی و یا قول
گرفتن از امپریالیسم را که در ایران دخالت
نکند، مبارزه فدا امپریالیستی جا بزنید!

توده های انقلابی میگویند: ما ناسود
امپریالیسم را طلب میگردیم، ولی شما گرفتن
سلاح از امپریالیسم (که خلقهای بیخوبی آنرا در
مباحثه با رادیو سوئد لوداد، کیهان ۸ آبان) و ادامه

معاملات اقتصادی را مبارزه فدا امپریالیستی جا میزنید!
شما وقتی جا سوسها را گرفتید، عریده کشیدید
که تا ناسود بودی "شیطان بزرگ" ناسود نخواهید
کرد، اما اکنون پس از یکسال فریب توده ها،
رجا شتی نخست وزیر "فدا امپریالیست" ناسود
شورای امنیت میفرستید تا با تطهیر امپریالیسم
آمریکا و نمیدوستانیش از ناسود، مقدمات عسل
خود را با آمریکا تدارک ببینید. و اکنون توده -
های انقلابی میهن در خوا هندیافت که آنچه
ما همواره گفته ایم صحت داشته است. گروگانگیری
نندبر مینای مبارزه با امپریالیسم، بلکه برای
تصفیه جناحهای جناحهای مختلف رژیم از یکسو
و فریب توده های زحمتکش از سوی دیگر بوده است
حزب جمهوری اسلامی (با ابتکار خرده بورژوازی
مرفه سنتی) برای تحکیم وضعیتش در قبال
لیبرالها و نیز بخصوص منحرف کردن مبارزات
توده ها از نبرد واقعی علیه امپریالیسم، یعنی
مبارزه برای ناسود سرمایه داری وابسته و
قدرت سیاسی حامی آن و متوهم تر کردن آنسان
نست به حاکمیت خویش، دست به این عمل زدند.
گذشته از رویزیونیستها، آن نیروهای
کمونیست تا پیگیر که در ذهن خویش آنچنان
"فدا امپریالیستی" میان حزب جمهوری
اسلامی و آمریکا یافته بودند که جنگ ایران و
عراق را نیز تلاش امپریالیسم برای سرنگونی
جمهوری اسلامی (و حتی سنی صدر لیبیرال!) می -
دانستند، اکنون در قبال توده های انقلابی
با بدیا سخ گویند. آن انحراف رویزیونیستی که
درکی ناسود نسبت به مبارزه علیه امپریالیسم
را تبلیغ کرده و گروگان تکبری را بدون تشریح
سیاستهای رژیم از ناسود رادونیز تا شیری که
بر جنبش توده ها میگذارد (و با متوهم تر کردن
توده ها از ناسود قطعی امپریالیسم جلوه
میگیرد). عملی فدا امپریالیستی جلوه میداد،
اکنون بیش از پیش با یستی افشا شود. و فریب
کمونیستها میبایستی به توده ها بگویند که
مبارزه واقعی علیه امپریالیسم، یعنی ناسود سرمایه
- داری وابسته و در هم کوبیدن ارتش و دولت حامی آن.
کمونیستها موظفند ناسود توده ها، تما می
تسلیمات دروغین رژیم را افشا کرده و نشاندهند
که جز فریب، جز استعمار رژیم بیشتر زیر سلطه
سرمایه داری وابسته از این مبارزه فدا
امپریالیستی نصیبی نبرده اند و در عوض رژیم
کوشیده است با استفاده از این جریان، با به -
های ستم طبقاتی را بیشتر تحکیم بخشد.
رژیم البته خوا هدکوشید، فضا حت آزادی
گروگانها را نیز بیروزی جلوه گر سازد، ما
با یستی اهداف رژیم از گروگان تکبری و همچنین
آزادی گروگانها (یعنی کوشش برای نزدیکی
بیشتر به امپریالیسم) را هر چه بیشتر افشا
سازیم. هیچ چیز به اندازه ناسود این حقایق
در در هم شکستن توهم توده ها نمیتواند موثر باشد.

توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

بازجویی و محاکمه در دادگاه عدل اسلامی "خلخالی جلاد"

پیکارگران شهید، رفقا محمد اشرافی و منوچهر نیک اندام تادم مرگ به آرمان زحمتکشان وفادار ماندند

خلخالی آخرین سوالش را مطرح کرد: چرا سازمانتان میگوید، مردم جنگ زده، خواهان قطع جنگ هستند، مگر ما منگفته ما تا بیروزی نهائی باید جنگیم؟
رفیق منوچهر: شما حرف "آیت الله خمینی" را میگویند، ولی ما حرف تمامی مردم را، علاوه بر این حرف ما منطق برمنافع مردم است، بروید از مردم سوال کنید، ببینید چی جواب میدهند.

خلخالی آنوقت به "بهبود" مراجع گفت، یک ورق کاغذ بدهد.

وروی کاغذ نوشت: **اعدام**

★ ★ ★

(#) - بهبوند شخص مرجعی است که رئیس دادگاه ضد انقلاب میا نکوه میباشد، او از طرفداران سوخت سرما به داران است او قبلا یکبار به طرفداری از پیمانکاری بنام مهندس معروف بر علیه ۴۵ نفر از کارگران با مرود، رای صادر کرده بود.

رفقا (محکم): بله.
خلخالی: توبه میکنید؟
رفقا: خیر.
خلخالی: اگر آزا شوید با زهم همین راه را ادامه میدهید؟
رفقا: بله تا آخرین قطره خونمان مبارزه خواهم کرد.
رفیق محمد در اینجا سوال کرد با چه مدرکی ما را محاکمه میکنید؟
خلخالی گفت: مدرک خاصی نمیخواهد، همین که رفتید گردستان جنگیدید، کافست.
رفیق محمد: اگر چه در گردستان جنگیدن افتخار بزرگی است اما، ما به گردستان ترفته ایم شما ما را با ظوا عقدا تان و عشقمان به زحمتکشان محاکمه میکنید.

در پیدا دگاه دزخیمان، نه وکیل مدافعی بود و نه خبرنگاری و نه کیفرخواستی، فقط چند سوال و سپس حکم شری را ن!
ما در اینجا عین جملاتی را که در پیدا دگاه، بین رفیقانمان و خلخالی جلاد رد و بدل شده است میاوریم تا نشان دهیم که این پیدا دگاه ارتجاعی، روی بسیاری از جناحین کارن تاریخی را سفید کرده است.
خلخالی جلاد میبرد: مرا شما چیست؟
رفقا گفتند: دفاع از زحمتکشان.
خلخالی پرسید: کمونیست هستید؟
رفقا: بله.
خلخالی (با تمسخر): شما زمان شاه مبارز بودید؟

متن وصیت نامه پیکارگر شهید محمد علی شرفی
۱۳۵۹ آبان ۵۹
تمام آن که برایشان زنده بودم
در آخرین لحظات زندگی با بوی گل که خنیا را دستتوب را بدیدم آن عزیز
مقتدرش را میگویم، آسان با آن برویدم
پدر و مادر و درون منم از همه خوب سوالات کنی و در جواب بده که در گذشته در
راه منافع توده ها صرفت خود هیچگاه... ایش را در منافع توده ها ترجیح نمید
میدادی که در راه دارم و حکومت خودت لذت بگیری او هم از ترس آید... همان
راه بود صورت هم در صورت زندگی که بنده است نسیم با بی لایگه هر طور که گمانی
نورانی در تن من است با راه خودت است... پدر و مادر من... می دانم که در طول
زندگی زحمات زیادی را می کشیدید و من خنیا را از این بارها فریاد می نمودم و در
از زحمتکشان بسیار شکرم و امیدوارم برهما بعینه خدا را از این بارها راحت بگذرد
رفقا: همیشه از راه منافع توده ها دور شو و منقلب آن بنا نکنید بلکه
آن می که آخرشانی حکومت را بر سرش می میزد همه مردم را جان شکنید
دور راه کردی که تا آخرشانی استوار بر پیش روی
خدا و راه تمام انعام بر توده تمام برای تمام شما که زوی مغفبت کنتم... من همیشه
از راه شایع مردم در زندم و در راه ما هم مردم آید کنی کنتم
من هم کارهای تمام و... هیچگاه به مدرکی علیه من وجود نداشت که من مخالف آن بودم
تمام شوم
امید فرم
من همیشه در راه منافع توده ها بودم که بنام آنها را جبهه تقسیم امید آن چیزی که بودم و در هر طور
که سابق بودی که ما را در صورتش و با پدر و مادر خوب باشی که ما را در راه کردی
بسیار شکرم... حال من آنکه خوبم اگر سالی بگیری نمودار داشت و من با بیست و پنج
اشاره و همه از هم بفرش می خواهم
اگر چه همه بدی ها را از من دور کردی و در صورتی خواهم
... امیدوارم بری تمام زحمتکشان دنیا
۱۳۵۹ آبان ۵۹
محمد علی شرفی

متن وصیت نامه پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام
تاریخ: ۱۳۵۹، ۸، ۲
پدر و مادران راه زندگی
بی شک انسان یک جان دارد، و یک اعتقاد و آنچه هم است این است که انسان
اعتقادش داشته شود. آنهم چیزی که از منافع انسان رنج کند. از منافع زحمتکشان رنج کند
و با بی شک ما را با حق این اعتماد می کنند.
ماصل هر عزیزم: سپرم برف، و در قهرم شماره شما که که در زندگی برای من درخشش
داشتید من کنیز زندگی را واقعا آنگونه که هست لمس کنید.
هر عزیزم: هیچ نگران باشم بلکه تحت هرگز سرافیل سعی کن بهم که کم را بزرگ کن و در آن
بیاورم که بدوستان چگونه گشته اند. سعی کن در زندگی ما گونه که در لحظه ای و در اوج شجاع
بوده، همیشه شجاع باشی.
به پدر و مادر من و کلیه بستگان و دوستانم: شاید من در طول زندگی نتوانستم حاجت کسی را برآورم
ولی بهر حال بگو که من چگونه خواسته زندگی کنم و عقیده من این زندگی شرافتمند اعتبار داشتم.
تو آن زوی که من با ما در راه و در دنیا بدلیل این اعتبار زندگی کردم، و این سستگان بود
سستگان همه جوان که در پهنی گشتن نگاهت آن مبارزه می کنند.
در آرزوی مغفمت بگویم که هیچ از وجود من و از امانت من مرا بکنی عذاب بخش. زیرا بدون ستم راه حرکت
را تا اکنون پیدا کرده ای. هرگونه که زندگی کنی من ملعونم شرافتمندانه است.
« با پدر و مادر من با بیست و پنج مصداقاً »
منوچهر نیک اندام
۱۳۵۹، ۸، ۲

زندگینامه یک کمونیست، پیکارگر شهید، رفیق منوچهر نیک اندام

نام: منوچهر
تاریخ تولد: ۱۳۳۵
شغل: معلم
ایدهولوژی: مارکسیست - لنینیست و از مسئولین تشکیلات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در آغا جاری.
دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹
مهاکمه: بهدادگاه صحرایی خلخال جلا د
تیرباران: سحرگاه سوم آبان ۵۹ در میان کوه آغا جاری
جرم: وفاداری به زحمتکشان

که مغز و یکطرف سرش متلاشی شده بود. ارتجاع می اندیشیدم! ندانم قطع سرو سرفرازی چون منوچهر، جنگل سرسبز انقلاب را که پراز سروهایی دیگر است قطع کند، اما سپرده میا ندیدند، دیر نیست تا زحمتکشان میهن انتقام خون شهیدانشان را از ارتجاع و امپریالیسم بگیرند.

اندام کنند، اما با ساداران ارتجاع با زور و با قنداق تنگ آبان را از آنجا خارج کردند و سحرگاه سوم آبان رفیق منوچهر را تیرباران کردند. وضعیت اجساد شهیدانشان میداد کدکها کینه زاندا لوصفی تیرباران شده بودند، تیرباران های اول شهید شده و در خاک غلطیده بودند. تیر خلاص رفیق منوچهر را از خرطوری زده بودند

منوچهر در یک خانواده کارگری بزرگ شد. پدرش کارگر کا رتختت نفت بود پدر کلاس میهمان ها از شهیدانی آشنا شده میخواست بسنه عنوان یک کارگر کا رتختت ما تحت فشار خانواده اموزگار رشد بوسه مسجد میمان رفت در آنجا بود که ما رکتیم. لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی رجا سا زده طبقه کارگری پذیرفت. ما رزه: نغزنی و "صدور" رفیق موجب شد که توسط سسا واک دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. اما محبت نبود مدرک و با جوئی مناسبت رفیق آزاد شد. آری از دست رژیم! هاشن خلخال بافت تا سز دوران جمهوری اسلامی شهیدش کنند. در مسجد ساسا در دهات آغا جاری با زحمتکشان و دانش آموزان خود بیوندی انقلابی برقرار ساخت. دانش آموزان منوچهر، همواره با دارا بر عنوان یک انسان انقلابی که معلم سازه طبقه را به انسان آموخت. یادخوا هنده است و فصلتهای انقلابیش را سرمشق خوانند کرد. رفیق منوچهر فعلا نسه در سالمانده! اعتیادات معلمین در سال ۵۷ برای سرنگونی رژیم شاه شاهن شرکت کرد. در همین هنگام (یعنی قبل از قیام میهنساز ۵۷) نظرات سازمان پیکار را پذیرفت و از آن پس در این سحر طبقه کارگر به مبارزه مسلحانه پذیر خود ادامه داد.

پیامی برای عزیزانمان بهرنگ، مهرنوش، شراره

آبان را دشمنان طبقه کارگر کشند، رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ منافع امپریالیسم و استعمار و روغارت زحمتکشان این شعله های بر سرخ آگاهی را خاموش کرد، تا شاید به خیال باطل خود مانع آگاهی توده ها شود. اما عزیزان! هرگز برچرخ مبارزات انقلابی بر زمین نیفتاده است و با مرکز هوشید، انقلابیون دیگری این پرچم را بردوش گرفته اند. آری پدرانمان را جمهوری اسلامی این حکومت سرمانده داران و این حافظان منافع امپریالیسم کشند پدرانمان از این سیستم پوسیده و ارتجاعی متنفر بودند، شما نیز با کینه بزرگ خوا هید شد، با کینه نسبت به قاتلان پدرانمان. اما این سیستم پوسیده تنها پدران شما را بکشند است.

عزیزان کوچکمان! شما هنوز خیلی کوچک هستید، کدکها با ت بدرهای قهرمانان را در کدکها کشید و میمارا نیز اکنون خوب در نخوا هید یافت، اما ما این پیام را برای شما و همه عزیزان دیگری که ارتجاع و امپریالیسم در همان کودکی، شرنگ در کمان ریخته است، تقدیم میکنیم. وقتی بزرگتر شدید، حتما این پیام را بخوبی درک خوا هید کرد.

اول از پدرانمان بگوئیم: آنها انسانهای جدیدی بودند، انسانهایی که ما آنها را انسان طراز نوین، انسان لنینیست، انسان کمونیست میخوانیم، حتما ما در آن دلاورتن و دیگر اقوام از غلظتهای پاک و حماسه های آنها برای انسان خوا هندگفت و شما نیز حتما آبان را سرمشق قرار خوا هید داد.

پس از قیام و در این زماندهی مبارزات معلمین برای شبیه میکن فدا لانه شرکت کرد. او در عادات اعتیادات و تحصنها ی معلمین تا اینجا دشواری معلمین بخش بارزی ایفا کرد. جمهوری اسلامی که از مبارزات رفیق و اقدامات آگاهانه اش میهراسید. هر روز او را به یک جای دیگر منتقل میکرد و عاقبت نیز او را در لیست پاکسازی قرار داد. رفیق دارای همسر و فرزند (بهرنگ و شراره) بود، رفیق که نمیتوان یک کمونیست سازشنا پذیر معروف شده بود، همواره چون غاری در چشم ارتجاع بود و ارتجاع بدینال فرصتی بود تا رفیقمان را از خلقت جدا سازد. بخشی اعلامیه ما را من پیکار در مورد جنگ در آغا جاری سها سهای شده رفتاری شناخته شده دستگیر کردند. رفیق علیرغم شکنجه های جسمی و روحی فراوان در زندان و دادگاه، قهرمانانه از آلمان سرخشی دفاع کرد. همسر رفیق پس از دیدن همسرش در شب تیرباران تعریف کرده بود:

ارتجاع و امپریالیسم هزاران کودک کرد را بی بدر کرده است، در آنها کارگر بیکار را در نظرات حق طلبانه شان به شهادت رسانده است و دهها دانشجوی انقلابی را شهید کرده است... آری شما بزرگ خوا هید شد، اما با کینه ای بزرگ نسبت به ارتجاع و امپریالیسم. شما وقتی بزرگتر شدید، خوا هید فهمید که این کینه نیابتی تنها بخاطر از دست دادن پدرانمان ناست، بلکه با بدخاطر آنهمه جنایتی باشد که قرنیه است طبقات استعمارکننده بر زحمتکشان و رنجبران وارد کرده اند. شما بزرگ خوا هید شد و به پدرانمان افتخار خوا هید کرد، چرا که آنها جزء بهر بی انسانهایی بودند که در تاریخ پیدا میشوند. وقتی بزرگتر شدید، بهتر درک خوا هید کرد که چرا کمونیستها اینقدر شجاع، فداکار و در راه

زندگی پدرانمان، وقف مبارزه برای رفاهتی زحمتکشان شد، ما کمونیستها معتقدیم که روزی زحمتکشان بر سرشویت خود کام میشوند و سرمان به داری، فقر، ظلم و تیرباران انقلابیون و حفنان و سرکوب برای کارگران را خاموشه خوا هید بخشید. پدران شما از بنا کنندگان جامعه سرخ و زیما ی فردا بودند و خونشان را بر روی پرچم کمونیستها ریختند. برجمی سرخ با داس و جکش و ستاره ای که وقتی بزرگ شدید، شما نیز وظیفه دارید آنرا بدوش بگردید و به پیش سوی فردا بروید.

"ارمن منوچهر و محمد را زده بودند... من نتوانستم فوراً شوهر مرا بشناسم. از او پرسیدم با تو چکا ر کرده اند، گفت بیس از شکنجه محاکمه شدم و بدون سازو جویی بسنه اعدا محکوم شدم، با ساداری که در آنجا بود، گفت: خبیرا اعدا! مخری نیست. منوچهر گفت به حرف او گوش نکن. خوشبختانه محکم باش دشمن به ما کینه دار دور حرم نخوا هد کرد، ما هم تنها بدیه او رجم کنیم، ما رزه طبقه تسی یعنی بی رحمی نیست به دشمن."

(۳) - بهرنگ (۲ ساله) و شراره (۶ ماهه) فرزندان پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام و مهرنوش (۱/۵ ساله) فرزند پیکارگر شهید محمد اشرفی است.

همسران رفقا، منوچهر و محمد پس از این ملاقات میگویند که حاضر به ترک بیدادگاه نیستند، ما بید آنها را نیز همراه شوهرانشان

زندگینامه يك کمونیست: پیکارگر شهید رفیق محمد اشرفی

نام: محمد طی
 شهرت: اشرفی
 تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۷/۱ محل تولد: آغا جاری
 شماره شناسنامه: ۴۸۶
 شغل: کارگر شرکت نفت (پتازگی کارمند شده بود)
 متاهل دارای همسر و یک فرزند
 اهد فلولوی: مارکسیست - لنینیست و اصولین تشکیلات سازمان بهکار در راه آزادی طبقه کارگر آغا جاری.
 دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹ محاکمه: بهدادگاه صحرایی خلخال جلا
 تیرباران: صحرگاه سوم آبان ۵۹ در میان کوه آغا جاری
 جرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان

این شرط جنازه ها تحویل شد که در قبرستان شهر نیا بدفن شوند. چرا که کافر و نجس هستند! خانواده های محمد و منوچهر، جنازه فرزندان دلبرشان را در ده کیلومتری امیدیه در یک روستا کدویشان محمد در آنجا زندگی میکردند، دفن نمودند. آری، رژیم زحنا شهیدان شیرمیترسد...

ب. متخار بر سرخ رفیق محمد اشرفی پادش را گرامی میداریم و سوگند میخوریم که راهش را تا تحقق آرمان سوسیالیسم ادامه دهیم.

ارتباط با موضع انقلابی و کمونیستی سازمان در ارتباط با مسئله جنگ بود و رفقا دلاورانیه از موضع سازمان در زندان و زیر شکنجه دفاع کردند و همواره به آرمان بیولتا ربا شی خود وفا دارماندند. رفیق محمد در کنار منوچهر تیرباران شد. بعد از اعدام جنازه آنان را به بیما رستان شرکت نفت در امیدیه بردند. قبل از آوردن جنازه ها به بیما رستان را تعطیل کرده، آنرا محاصره نموده و کارگران بیما رستان را بیرون فرستادند. آنها تا ۲۴ ساعت جنازه را به خانواده های شهیدان تحویل ندادند و سپس با

محمد در یک خانه کارگری بدنی آمد. تسلا کلاس ششم ابتدائی درس خواند و سپس به آموزشگاه حرفه ای شرکت نفت رفت. سپس جزئی از طبقه کارگر صنعتی ایران گشت. رفیق دارای روحی حماس بود و تقریباً یک هنرمند مارکسیست نیز محاسب میامد. رفیق در زمان شاه دویا توسط ساواک دستگیر شد. یکبار برضا طراختن فیلمی از وضع زندگی زحمتکشان آغا جاری و بار دیگر در ارتباط با دستگیری یکی از رفیقانش اما پس از مدتی در هر دو بار ساواک وی را آزاد کرد. چرا که لب اسرارگویش آنچنان بسته بود که رژیم شاه خاش بی به نحوه مبارزات رفیق نبود. در سال ۵۷ هنگام نبرد علیه رژیم شاه فعالانه در اعتصاب کارگران شرکت نفت شرکت کرد و از سازمان ندهندگان این اعتصاب حماسی بوده او در میان کارگران دارای وجهه و پاپه وسیعی بود و با آنکه کارگران از کمونیست بودن او مطلع بودند، او را به عضویت شورای مرکزی انتخاب کرده بودند.

رفیق محمد نیز مانند منوچهر از فعالان لنین تشکیلات پیکار در آغا جاری بود و در وی آنها چه در هنگام انتخابات مجلس چه در هنگام خوزستان فعالانه شرکت داشتند. مردم "سرکوره ها" (۵ کیلومتری ما شهر) رفیق را حتماً به یاد دارند که چگونه فعالانه در هنگام مسیل بیباری زحمتکشان آمده بود (در جریان سیل رفیق محمد مسئول چادر امداد سازمان پیکار در سرکوره ها و رفیق منوچهر مسئول ارتباطات امداد بود). رفیق محمد در آموزش ارتجاع به هزاران سازمان ۲۹ و ۳۰ مهر، دستگیر شد. این دستگیری در



پیکارگر شهید حسین نورائی در جبهه به شهادت رسید

برادر خیمیا ره های رژیم فاسد خلقی عراق، رفیق حسین نورائی، پیکارگر کمونیست و از هزاران سازمان شهادت رسید. رفیق در حین شهادت مشغول انجام وظایف سازمانی بود، رفیق در طی دوران جنگ فعالانه برای افشای جنگ غیرسازگار دلانه کمونیستی فعالانه داشت. ما زندگینامه رفیق شهید را در شماره های بعدخواهیم آورد. قافله سرخ شهیدان در راه آرمان سوسیالیسم در جامعه طبقه ای با نسی نخواهد داشت!



خاطره پیکارگر شهید حمید را گرامی بداریم

رفیق پیکارگر حمید از رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در جنوب در جریان یک تظاهرات با ما شین با سازمان شهید شد ما ضمن گرامی داشت خاطره رفیق حمید مشروح حیران شهادتش را متعاقباً به اطلاع خواهیم رسانند.

آرمان سرخ طبقه کارگر را نیز از خود گذشته اند. شما بزرگ خواهید شد و حتماً راه پدرانانتان را خواهد پییمود. این تنها راهی است که به نایب بودی ستم طبقاتی و رنج زحمتکشان جهان ختم خواهد شد. فردا شما برای نابودی آن طبقاتی با بد مبارزه کنید که پدران شما و بسیاری از پدران فرزندان دیگر را در چاه رگوشه جهان به شهادت رسانده اند.

بقیه از صفحه ۲۴ یاد...
 صورت گرفته، از مبارزات رفیق که تا آخر پس قطره خون لحظه ای دست از مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگی داخلی اش نکشد و در این راه سرخ شهید شد، با ما میکنیم و آنها را گرامی میداریم. رفیق که با رها توانسته بود از جنگ پلیس فرار کند (از جمله در آبان سال ۵۴ در خیابان شوا با مزدوران ساواک بطور مسلحانه درگیر شده و موفق به فرار شد). اما یکسال بعد در ۲۵ آبان ماه سال ۵۵ در همان خیابان در یک درگیری مسلحانه به شهادت رسید.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...
 علیه ما و امپریالیسم آگاه و متشکل کند، او می دید که توده ها برای یک تومان اضافه دستمزد مبارزه میکنند، طبعاً این آثار ریشتم تبلیغ کمونیستی حول این نیا مشخص توده ها را انجام نمیداد. و نه تنها حول نیاهای اقتصادی بلکه نیاهای سیاسی توده ها نیز آفشاگری نمیکرد. او نمیگوشید جانت رژیم شاه را هر هنگام که اتفاق می افتد و توده ها نیا زارند و گونگی واقعه را دریا بند، به توده ها نشان دهد و مسج جنا پیکار را به موقع گرفته و جلوی توده ها افشا نماید. او نمیگوشید تا توده ها را ضمن همین افشاگرها مورد آموزش قرار دهد. و بدین ترتیب نمیتوانست توده ها را ارتقاء دهد و بسیاری انقلاب آموده نماید. اما ما را در

اگر چه غم زدست دادن پدرانانتان آنهم در این سنین کودکی بسیار سخت است، اما عزیزان با بد همیشه سرها پتان را آفراشته بگیری و بسا افتخار به همه بگوشید فرزندان دلاور چه کمانسی هستید، بگوشید که پدرانانتان برای فردای سرخ زحمتکشان رزمیدند و بگوشید پیروزی از آن آرمان سرخ پدرانانتان است.
 دستانتان بسیار کوچکتان را میبشایم و در انتظار گامهای محکمتان در راه پدران قهرمانانتان هستیم. سازمان ما مصمم است که سرخ پدران شما را ادا خواهد داد. وفاداری شما نیز به آرمان آنها، تنها با ادا مراه پدران قهرمانانتان امکان پذیر نخواهد بود!
 سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 ۱۳۵۹/۸/۱۴



چهارمین سالگرد شهادت رفیق محمد حاج شفیعیها را گرامی می‌داریم



در آخرین هفته‌ای که ما سال ۵۵ بخش
منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران، یکی
از انقلابیون فدائیان را که ما را در راه انقلاب
دمکراتیک و فدا میربا لستی توده‌های تحت
ستم میهن ما به مبارزه برخاسته بود، از دست داد.
رفیق محمد حاج شفیعیها در آن سالهای سیاه
که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان‌های
سخت نبرد محک زده میشد، در یکی از خباثینهای
شهران بدست جلادان رژیم شاه به شهادت رسید.

رفیق در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد و
پس از تحصیل در دبیرستان شریعتی (پهلوی آن
زمان) وارد دانشکده پلی تکنیک تهران شد. در
سال ۵۰ برای در بزرگتر رفیق، شهید مرتضی که
دانشجوی دانشگاه شیراز بود، به اتفاق یک
دانشجوی دیگر در اثر انفجار بمب شهید شد. برخلاف
ادعای رژیم که اعلام کرده‌اند در حال ساختن بمب
شهید شده‌اند، رفیق محمد معتقد بود که ساواک در
اطلاق او بمب گذاشته است.

پس از این حادثه رفیق مجدداً در دانشکده
خود دست به افشاکاری وسیع زده و سپس برای
ادامه مبارزه انقلابی مخفی شد. رفیق با پذیرفتن
علم‌رسانی زحمتکش و گروهی که به ما رگسیم -
لنینیسم در بخش منشعب از سازمان مجاهدین
خلق به فعالیت‌های انقلابی اش ادامه داد. رفیق
یکی از مبارزین فعال در بخش کلگری سازمان بود. در
انتشار نشریه کارگری "قیام کارگر" نقش ارزنده‌ای داشت
با در رفیق و هم‌زمانش، تحلیل از مبارزه
فرزندان راستین خلق و تجدید عهد با آرمان
مبارزینی است که با مرزبندی با سازشکاری و
دور از حسابگری‌های سیاسی در راه دشوار انقلاب
قهرآمیز توده‌ها به پیکار برخاسته و اعتقاد داشت
خود را با عمل انقلابی درآمیختند. ما با بزرگ -
داشت با در رفیق شهیدمان به آرمان او کسبه
پیروزی سرخ‌رهای زحمتکش را توفیق میدهد
سوگند می‌خوریم که با تمام توان خود مبارزه
طبقه‌ای را بر علیه کلبه‌دشمنان طبقه‌ای کارگران
و دیگر زحمتکش و در کنار آنان تا سر منزل پیروز -
منش به پیش ببریم. یادش گرامی باد!

یاد رفیق شهید بهرام آرام را گرامی می‌داریم

سخن‌آزبانان شهید و کرامت‌میداست مبارزه
انقلابی رفقای که ما را با عشق به انقلاب
توده‌ها علیه رژیم پادشاهی و امپریالیسم
مبارزه کرده و در راه آرمان والای زحمتکش‌ان به
شهادت رسیده‌اند، تحلیل از انقلاب است. در پستی
که از با بمردها، فداکارها، شکست‌ها، پیروزیها
کمی و کاستی‌های این مبارزه گرفته می‌شود ما
را در ادامه راه سرخ انقلاب و پیروزی در پیشبرد
پیروزمندان مبارزانمان باری می‌دهد.

رفیق شهید بهرام آرام از انقلابیون بود که از آغاز
جوانی همه‌توان خود را در خدمت‌رهای زحمتکش‌ان
و مردم تحت سلطه میهن ما قرار داد. رفیق به‌مراه
مجاهدین شهیدان حذرناشی و حبیب رهبری در یک
گروه مبارز مذهبی فعالیت میکرد. این شهید
در سال ۴۸ به عضویت سازمان مجاهدین خلق
درآمد. شور و توان انقلابی رفیق، از او آنچنان
کار در کارآمدی ساخته بود که پس از تنها جسم
وحشیانه جلادان رژیم شاه به سازمان مجاهدین
خلق در شهریور ۵۰ توانست در نجات بقایای
سازمان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید. پس
از دستگیری عده‌ای از مسئولین و کارده‌های
سازمان بویژه مجاهدین شهید مشکین فام، بدیع -
زادگان و حنیف نژاد، سازمان عمل‌درهم ریخته

۲۶ سال از شهادت دکتر حسین فاطمی می‌گذرد

دکتر حسین فاطمی وزیر خراج و دکتر مصدق و
مدیر خراج روزنامه "باختر امروز" که به رحمانه
جنابات دربار منگور پهلوی را افشا میکرد، در
۱۹ آبان ماه سال ۱۳۳۳ در حالیکه ۴۰ روز از
اعتماد‌بخش‌های او میگذشت با تنی تنب‌دار بدست
مزدوران امپریالیسم تیرباران شد. دکتر
فاطمی مبارزترین عضو دولت مصدق بود که در
مهر و موم‌ک‌های سلطنتی نقش مهمی داشت و به
علت افشاکاریها و مبارزه‌اش علیه خاندان کثیف
پهلوی هدف توطئه‌های گوناگون ارتجاع بود و
بخاطر همین مبارزه بود که هدف مخالفت‌های
آیت‌الله‌کاشانی نیز قرار داشت و از سوی
"فدائیان اسلام" هنگامی که به مرز ارشدهای ۳۰
تیرسخنرانی میکرد در معرض ترور قرار گرفت
ولی جان سالم بدر برد (۱). او پس از کودتای
۲۸ مرداد ۳۲ دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های
فراوان در راه دفاع از استقلال و آزادی میهن
بشهادت رسید. موضعگیری شدید و علیه انگلیس
و دخالت امپریالیست‌ها در امور ایران و ضدیت
او با دربار شاه او را بعنوان چهره دمکرات‌گرایانه
مصدق در تاریخ ایران جاودانه می‌سازد.

یادش گرامی باد!



بود. رفیق بهرام در زمان در کنار مجاهدین
شهیدان حمودرغاشانی با تلاش پیگیر سازمان
را از بحران تلاشی خارج ساختند. رفیق در آن سال‌های
خفگان که کارها و اعضای سازمان تحت پیگرد
فاشستی گشتی‌های پلیس و ساواک قرار داشتند
با روحیه‌ای مقاوم و تحمل سختی، آنها را کمک
و یاری میکرد و به آموزش سیاسی و نظامی آنان
همت می‌گماشت و با تحمل دشواریها و فراوانی به
وظایف خود در رهبری تشکیلات پیگیرانه ادامه
داد. او را توانست با هشاری از دام مزدوران
ساواک جان سالم بدر ببرد. فعالیت‌های مبارزاتی
و توانمندی‌های انقلابی وی، رفیق بهرام را در
مرکزیت سازمان قرار داده بود. او در زنجار چوب
مشی انقلابی (هز چند خرد بورژوازی) جریکی در
نقش فرماندهی مشورتی در کلیه عملیات مهم
نظامی سازمان بر علیه رژیم شاه و امپریالیست‌ها
در پیشبرد سازمان‌دهی مبارزات انقلابی
سازمان شرکت فعال داشته و جمله فعالیت‌های
انقلابی، اعدام انقلابی مستشاران آمریکایی،
اعدام مرتب زندی پور (رئیس کمیته مشترک
ساواک - شهرپانی) انفجار شهرداری شمیران نو
(که در آنجا نه‌های زحمتکش بر سرشان
نقش فعالی داشت) و... را میتوان نام برد.
نقش غیر پرولتری جریکی نمیتواند ما را
به نقی مبارزه انقلابی فرزندانمان برکف
خلق که با توانی ارزشمند سازمان‌دهی
سازمان‌های انقلابی آن زمان می‌پرداختند
و اداره. توان و قدرتی که در ادامه خود بوسه
بر خوردی اعتقادی و طرد می‌غلط توانست
سازمان را در خدمت پرولتاریا و اهداف او قرار
دهد.

رفیق بهرام در جریان تغییر و تحولات درون
سازمان در موضع رهبری نقش مهمی داشت و به
همین جهت ما در برخورد به این دوره از عملکرد
"بخش منشعب" با اشتباهات رفیق نیز مرزبندی
کرده و اشتباهات انقلابی از رفیق را بعنوان فردی
موش‌زاک در رهبری فراموش نمی‌کنیم (به اطلاعیه
مهرماه ۵۷ و تحلیلی بر تغییر و تحولات درونی
سازمان مجاهدین - فروردین ۵۸ - مراجعه
کنید) ما با آگاهی به این نکته که این اشتباهات
- هر چند که اثرات بسیار زیانبار را آوردند - در
جریان یک مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم
و رژیم ارتجاعی شاه و در درون جنبه انقلاب

بقیه در صفحه ۲۳

کمکهای مالی دریافت شده

شهران:	م	ز	الف
الف	۸۶۶۰	۲۴۲۱۰	۸۲۷۰
ب	۲۱۰۱۰	۴۷۵۰۰	۵۵۰۰
ج	۸۲۰۰	۷۵۰۰	۶۰۲۰
د	۶۰۰۰	۴۵۰۰	۷۳۰۰
هـ	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۵۸۰۰
و	۶۳۰۰	۸۵۴۰	۲۴۵۰۰
ز	۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۶۰۰۰
ح	۵۰۰۰	۲۷۰۰۰	۲۳۶۰
ط	۱۵۰۰۰	۲۵۲۰۰	۳۱۰۰
ث	۷۰۰۰	۱۴۴۰۰	۱۴۹۰۰
ج	۲۲۰۰	۱۱۱۱۰	۱۱۱۱۰
د	۹۰۰۰	۲۴۰۰	۹۰۰۰
هـ	۷۰۰۰	۲۴۰۰	۷۸۰۰
و	۱۱۰۰۰	۲۹۰۰۰	۲۴۰۰
ز	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰	۴۳۰۰
ح	۲۱۰۰	۱۵۰۰	۱۲۲۰۰
ط	۳۰۰۰	۲۷۰۰	۲۰۰۰
ث	۱۲۵۰۰	۷۵۶۰	۲۷۰۰
ج	۲۳۷۴۰	۲۳۷۴۰	۲۳۷۴۰
د	۲۱۰۰۰	۵۰۰۰	۲۴۰۰
هـ	۶۴۲۰	۶۴۲۰	۴۴۰۰
و	۴۰۰۰	۶۳۰۰	۴۴۰۰

- شهران
- ۱- رفقای هواداران اقلیت سازمان چریکهای فدائی در کربلا: کمک شما شامل لباس، پتو و... بدست پیشمرگان رسید.
 - ۲- رفیق س ۵۰۰۰۰ ریال جهت پوشاک پیشمرگان
 - ۳- رفقای محلات شرق برای کردستان ۱۰۰۰۰ ریال
 - ۴- رفیق س (پزشک) ۵۰۰۰ ریال
 - ۵- رفقای چاپ ۵۰۰۰ ریال
 - ۶- رفیق م ۲۰۰۰۰۰ ریال و لباس برای پیشمرگان
 - ۷- رفیق سربا زوظیفه ۶۰۰۰
 - ۸- رفیق فرا موز - ح ۱۰۰۰
 - ۹- رفیق س - م - ۲۰۰۰
 - ۱۰- رفیق امیر هدیه ات رسید.
 - ۱۱- رفیق عاطفه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
 - ۱۲- رفیق کارگر - الف ۱۲۰۰ ریال
 - ۱۳- رفیق سربا ز نصف حقوق ۱۱۵۰ ریال
 - ۱۴- رفقای هواداران - م - ف ۵۰۰۰ ریال
- شیراز:
- ۱- رفیق زندانی ۱۰۰۰ ریال
 - ۲- رفقای دانش آموز ۱۱۰۰۰ ریال
 - ۳- رفقای دانش آموز ۳۴۳۰۰ ریال
 - ۴- م - ۲۰۰۰ ریال
 - ۵- الف - م - ح ۲۰۰۰ ریال
- کرج:
- ۱- هواداران سازمان در کارخانه ۲۰۰۰ ریال
 - ۲- معلمین هواداران ۱۷۰۰۰ ریال
 - ۳- آمرنیا (ل - م - ا) ۳۰۰۰۰۰ ریال
 - ۴- دیپلمه های بیکار هواداران ۲۰۰۰ ریال
 - ۵- هواداران دروزر با ۳۰۰۰۰
- شیراز:
- ۱- رفیق کشف ۵۰۰۰ ریال
 - ۲- رفیق کارگر تراکتور سازی ۲۰۰۰ ریال
 - ۳- غ - م ۳۰۰۰ ریال
 - ۴- رفقای هواداران ۱۰۰۰۰ ریال
 - ۵- رفیق ق - آزار دسیل ۵۰۰۰ ریال
- بندرانزلی:
- ۱- رفیق سید ۲۹۰۰۰۰

برنامه نویسی برای جنبش: دانشجویان خارج فراهم گشت. پس از قیام مسلحانه توده های بهمن ماه و بازگشت عده کمتری از رفقای انقلابی و با تجربه جهت ادا مه مبارزه در ایران و توهم نسبی توده های دانشجویی رژیم جمهوری اسلامی حرکت این جنبش به کندی گرا شد.

بهنمود شمار مردان اجداد تشکلات دانشجویان - ل که بعنوان مرمترین وظیفه دانشجویان کمونیست در این مرحله از انقلاب و بعنوان صاحبترین آلترنا تیو جهت تبلیغ و ترویج ایدئولوژی - ل در بین توده های دانشجویی پرورش و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک و سازماندهی آنان در راه آرمان والای زحمتکشان و در راه آزادی طبقه کارگر و طایفه بس سنگینی را بعهده ما نهاد است ما سعی خواهیم کرد که در حد توان خود در اجرای رهنمودها که توسط شما رفقای انقلابی ارائه میگردد کوشا باشیم و با سخاوتی به مسائل جنبش دانشجویی سهم کوچکی از وظایف نیروهای کمونیستی را در جنبش خلق بعهده گیریم.

مرگ برامبریا لیسما آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ برامبریا لیسما و رجوع داخلی! مستحکمتر با دیون جنبش انقلابی دانشجویان با جنبش انقلابی توده ها! پیروزی دمبارزات دمکراتیک - خدا مبریا لیستی خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! اتحادیه دانشجویان و معلمین ایرانی در خارج از کشور هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۱

- ۲- رفیق فرهاد ۵۰۰۰۰
 - ۳- رفیق آریا ۳۰۰۰
- بوشهر:
- ۱- رفقای هواداران ۲۵۰۰۰ ریال
 - ۲- م - پ (دانش آموز) ۵۰۰ ریال
- بندرانزلی:
- رفقای هواداران ۸۰۰۰۰ ریال
- لالی:
- رفیق ع ۲۰۰۰ ریال
- خرمآباد:
- رفقای هواداران ۷۰۰۰ ریال
- بروجرد:
- رفقای هسته دانش آموزی (درفش) ۳۰۰۰
- اصفهان:
- رفیق ش - د هدیه ات رسید
- رفیق هواداران در دریا لاینگاه ۱۰۰۰۰۰ ریال
- رفیق (کارمند) ۳۵۰۰۰
- رشت:
- رفیق خیاط ۱۰۰۰ ریال
- سنندج:
- رفقای هواداران ۴۰۰۰
- مادریکی از پیشمرگان ۲۰۰۰۰
- رفیق کارگر ۵۰۰
- رفیق دانش آموز ۵۰۰
- رفیق کارمند ۱۰۰۰ ریال
- رفقای هواداران ۵۰۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۱۱ گزارش می...

سپهنا میرزا زکریا موقت در روز ۲۲ سپتامبر با بیان داد از دستاوردهای این سمینار و صحبتها با ما موقت تشکیل "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور" هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بود.

رفقای!

جنبش رو به اعتدالی خلقهای فخرمان ایران که از بحران عمیق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی میهن مانناشی میشود همچنان آتانا مدد را در حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز نخواهد بخشید. ما همیشه نه میخواهیم هدونه میبناوند با سخاوتی نیا زهای شود در حتمتکن میهن ما با تدا و حکمیری مبارزات زحمتکشان را بدنبال داشته و بسین مبارزات در ادا به خود به سیل بنیان کنی تبدیل خواهد شد که بساط مستقیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را درهم خواهد کوبید.

رفقای انقلابی!

جنبش انقلابی دانشجویی در خارج از کشور که در طی سالهای گذشته با مبارزه سیاسی امن علیه رژیم وابسته به امپریالیسم همواره در درون درو بر شد خود با رهنمودهای سازمانهای انقلابی داخل در مرحله اول قادر گشت تا از زیر بار نفوذ ایورتونیسما راست حاکم بر سازمانهای سیاسی خارج بیرون آید. اما سلطت ضعف جنبش کمونیستی ایران و تسلط مشی غیر پرولتری چریکی بر این سازمانها بخشهای مهمی از آن به جریا نه های پشت جبهه ای تبدیل گردید. تضاد ما رکیستی پشت جبهه از شکوفاست استعدادها کاست و مانع از ایجاد صف مستقل دانشجویان - ل در میان توده های دانشجویی خارج گردید.

اما با ردونفد ما رکیستی - لنینیستی این تز توسط شما رفقای انقلابی امکان ارائه

بقیه از صفحه ۱۲ جنبش...

مبارزه خلق کرد، جزئی از مبارزه ملی و طبقاتی خلقهای ایران بر علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم در عالیترین شکل خود میباشد. جذب شدن اقشار وسیعی از دهقانان و زحمتکشان شهری به طرف نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها در کردستان از وجود شرایط انقلابی وحدت مبارزه طبقاتی حکایت میکند. کمونیستها باید با تمام قوا در جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه رژیم حاکم شرکت نمایند و شرکت آنها باید با هدف سازماندهی نظامی - سیاسی مبارزه خلق کرد و گسترش آن به سایر مناطق و جلب پشتیبانی طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران از خلق کرد انجام گیرد. کمونیستها نباید فراموش کنند که بویژه در شرایط جنگی کنونی لبه تیز مبارزه خلق کرد، باید ارتجاع حاکم و بورژوازی خود را هدف قرار دهد. ما در توضیح موضع جنبش مقاومت و خلق کرد در قبسال جنگ ایران و عراق در فرصت دیگری بحث خواهیم نمود.

جنگ و جنگ قدرت جناحهای رقیب رژیم

جنگ اگر تندبیح "دیگری برای نیروهای کمونیستی بود، تا بخش بیگرونا بگیرد آنرا هر چه بیشتر عیان کند. سر بلائی تند دیگری برای هیئت حاکمه نیز بود و هما نظر که رسم است، اسب ها در سر بلائی یکدیگر را گام میگیرند!

جنگ اگر چه بظا هر مدت کوتاه هی جناحهای رقیب در هیئت حاکمه را سرگرم کرده اما حسدت با بی مبارزه طبقاتی، با ردیگر بیشتر آنها را بجان هم انداخت. حزب جمهوری که در یک دوره با بدست گرفتن اکثریت مجلس و پست وزیری قدرت بیشتری یافته بود، با شروع جنگ ایران و عراق خود را مواجها با قدرت گیری هر چه بیشتر بنی صدر و لیبرالها میبیند و میکوشد با آنها هم خود برای حفظ قدرت های بدست آورده و افزایش این قدرت، به تضعیف قدرت حریف خود در قدرت سیاسی بپردازد. و در راه بطنها آنها حم جدید حزب جمهوری، در هفته گذشته بنی صدر بطور کلی اعمال قدرت را در راديو - تلویزیون، ایمن مرکز مهم تبلیغاتی تا حدود زیادی از دست داد (۱).

یادداشتهای سیاسی هفتگی

بنی صدر هم که از مدتها پیش حتی تا مش در اختیار تلویزیون بین از نامرغاشی ویا برخی آبت - الله های آمد اعلام کرد که با صدا و سیما - جمهوری اسلامی دیگر نمایه نخواهد کرد. (میزان ۱۲ آبان)

اختلاف میان لیبرالها و حزب جمهوری آنچنان بالا گرفته است، که لیبرالها تماما بنی صدر، رئیس ستاد ارتش، فرمانده نیروی زمینی، وزیر دفاع و چمران، (در جلسه شورای عالی دفاع در ۹ آبان شرکت نکردند، در عوض "حزبی ها" نیز بدون شرکت لیبرالها در این جلسه، قانونی وضع کردند که به آنها اجازه می دهد دست به توقیف نشریات لیبرالها بزنند.

بنی صدر در کارنامه رئیس جمهور کماکان به رقیبش نیش میزند و در عوض حزب جمهوری نیز شدیداً به آنها حمله میکند، معا دیخواه نمایند ه مجلس روزنا مه انقلاب اسلامی را در خط آمریکا دانست و تلویحا بنی صدر را بخاطر نوشتن مقاله - ای در مورد تخصص، آمریکا شای نامید!

بقیه در صفحه ۱۸

شرایط مجلس شورا برای آزادی گروگانها: هیاهوی بسیار برای هیچ

شرایط مجلس شورا برای آزادی گروگانها بالاخره اعلام شد، این شرایط بسیار زلترا حتی آن چیزی است که بنظر می آمد. شرط اول را البته امیریا لیسیم آمریکا همواره در همه معا هده های بین المللی امضا کرده است (ماده اول اینست که آمریکا قول بدهد در مورد اخلی ایران دخالت نخواهد کرد.) ولی همواره امیریا لیسیم بنا بر ما هیئت طبقاتی، وحشیانه خلقهای جهان را استعمار، غارت و سرکوب نموده است. قولی که مجلس از امیریا لیسیم می خواهد بگیرد، در حقیقت خاک پا شدن به چشم توده ها است. کمونیستها به توده ها میگویند که امیریا لیسیم بنا بر ما هیئت، توده های جهان را استعمار و راکتار میکند و ما قرا داد ده های امیریا لیسیتی، ورق پا ره های بیش نیستند زمان امیریا لیسیم در مورکشورهای دیگر نمی توان ندما خله کند که سلطه او را در کشور خود نابود کرده و از مبارزه خلقهای دیگر نیز در این

بقیه در صفحه ۲۰

چه کسانی بر علیه پیکار لجن پراکنی میکنند

در پی تشدید دشمنی با سازمان پیکار بخاطر موضع انقلابی و کمونیستی اش در عرصه مبارزه طبقاتی و بخصوص جنگ غیر ما دلانه کنونی رفقای گیلان، اعلامیه ای منتشر کرده و در آن دلیل تشدید فشار بر روی سازمان را افشا کرده اند. تشدید فشار در گیلان، چاب سرفقا لدر روزنا مه ارتجاعی اطلاعات و مقاله ای در جمهوری اسلامی، تیرباران رفقا شرقی، نیک اندام و دانشیار در خوزستان و تشدید فشار در سراسر ایران نشانه این است که رژیم خا ثنا نه لیه نیز حمله خود را بویژه بسوی ما گرفته است. اما ما موظفیم با انکاء به زحمتکشان به افشای جنايات رژیم برداخته و توطئه های جمهوری اسلامی را خنثی کنیم.

اعلامیه رفقای حوزه گیلان سازمان:

بقیه در صفحه ۱۷

محاكمه سعادت توطئه ای دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

بدنبال اعلام ممنوعیت انتشار نشریات "با زوی انقلاب" و "فرا دگود نشین" از نشریات سازمان ما هدین خلق، روز دوشنبه ۱۲ آبان با صلاح دادستان انقلاب، طی اطلاعیه ای اعلام کرد که کلیه نشریات این سازمان اعم از روزنا مه و اعلامیه ممنوع الانتشار رسیده و در صورت تخلف "طبق قانون دادگاههای انقلاب رفتار خواهد شد". پس از این اطلاعیه، رژیم بلافاصله آغا زما که معا هدم محمد رضا سعادت را اعلام کرد.

آنچه که در این مورد تا بل تعمق است همزمانی ممنوعیت انتشار ر کلیه نشریات ما هدین خلق و محاكمه سعادت، با تصمیم گیری مفتضانه مجلس در مورد گروگانها و رابطه تمام مسائل فوق با جنگ ایران و عراق میباشد.

بقیه در صفحه ۱۹

هیئت حاکمه و جنگ قدرت بر سر راديو - تلویزیون

دعوا شای که از ما هها بیش بر سر تا حسب راديو و تلویزیون بین جناح بنی صدر و "حزب جمهوری اسلامی" در گرفته است، بنا بر اهمیت که دستگا ههای تبلیغاتی بویژه راديو و تلویزیون در جهت دادن به افکار عمومی دارد، هر کدا م از جناحهای قدرت حاکم کوشش مینمایند که حاکمیت خود را بر راديو و تلویزیون اعمال نموده و سیاست تبلیغاتی خود را بر آن حاکم گردانند. انتصاب و عزل مدیران از طرفیک جناح و مقاومت جناح مقابل، انتصاب مدیران از طرفیک جناح و عزل مدیران از طرفیک جناح و "مجلس" طرف آبت الله خمینی و کتاکشی که در "مجلس" بر سر نحوه انتخاب "شورای مدیریت" راديو و تلویزیون در گرفته است، تبارزی از این جنگ قدرت برای بدست گرفتن کنترل این دستگا ه

بقیه در صفحه ۱۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست